

## بازرسی از تاسیسات هسته‌ای ایران

دیدار هیات‌های از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از ایران و بازرسی از تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی هفته گذشته پایان یافت. «یون نیکسن» نایب رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که ریاست بازرسان این سازمان در سفر به ایران را برعهده داشت، به هنگام مراجعت از ایران در گفتگویی با خبرنگاران گفت: تاسیسات هسته‌ای ایران برای استفاده‌های صلح جویانه

است و هیچگونه خطر اتمی وجود ندارد. او گفت پاسخ‌های مسئولان ایران در مورد عدم تلاش آنها برای دستیابی به جنگ افزایش یافته است. او گفت که تاسیسات هسته‌ای را قانع کننده می‌داند و اضافه کرد این آخرین دیدار آنها از ایران خواهد بود.

ماه‌های اخیر گزارش‌های مختلفی درباره تلاش حکومت جمهوری اسلامی برای بدست آوردن تکنولوژی تولید سلاح اتمی در دسترس است.

بقیه در صفحه ۶

# کدام

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۷۰ - ۱۲ فوریه ۱۹۹۲ - دوره سوم - شماره ۲۹

## تولید نفت اوپک کاهش می‌یابد

وزرای نفت اوپک با کاهش ۷ درصد از کل تولید اوپک برای مقابله با کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی به توافق رسیدند. این توافق که توسط آژانده وزیر نفت جمهوری اسلامی اعلام شد در اجلاس هفته گذشته و پس از سه روز بحث و گفتگو میان اعضای اوپک حاصل آمده است. بر اساس این توافق ۱/۸ میلیون بشکه از تولید اوپک کاسته می‌شود و کل تولید آن از ۲۴/۳ میلیون بشکه

(در ماه ژانویه) به ۲۲/۵ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

دستور اصلی اجلاس اخیر اوپک که چهارشنبه هفته گذشته در ژنو برگزار شد، جلوگیری از سقوط بهای نفت از طریق کنترل تولید و عرضه آن بود. وزیر نفت جمهوری اسلامی پیش از اجلاس اوپک گفته بود: «در صورتیکه اقدامی اساسی برای کاهش تولید بقیه در صفحه ۴

## تشنج میان غرب و جمهوری اسلامی

با آزادی گروگان‌های شریبی از چنگ گروگان‌گیرهای تحت‌الحمایه جمهوری اسلامی در لبنان، اینجا و آنجا این پیش‌بینی‌ها قوت گرفت که مانع عمده بر سر راه هادی سازی مناسبات جمهوری اسلامی با دنیای غرب بویژه با آمریکا از میان برداشته شده و تلاش‌های پنهان و آشکار طرفین برای بهبود روابط آغاز میگردد. در این ارزیابی‌ها این اقدام نقطه مهمی در روندی تلقی می‌شده که از مدت‌ها پیش در جریان بود: از سرگیری رابطه با آمریکا که هاشمی رفسنجانی از هنگام نشستن بر مسند ریاست جمهوری و حتی می‌توان گفت قبل از آن، برای آن تلاش کرده است. اما روشن بود که این راه دشوارتر و پیچیده‌تر از آن است که رفسنجانی روی آن حساب می‌کرد.

این روزها بجای احساس تفاهم و گرمی آنچه که بر روابط تهران و واشینگتن حاکم است، فضای تشنج و تقابل است. همه شواهد نشان می‌دهد که حکومت اسلامی ایران از جانب آمریکا و برخی دیگر از کشورهای غربی بشدت تحت فشار قرار گرفته است. فشار و تقابل بعدی است که رفسنجانی لحن معمول دو سال اخیر خود در مورد امریکارا کنار گذاشته و از تعبیری چون «جنایتکاران» در مورد واشینگتن استفاده می‌کند. این فشارها بر جمهوری اسلامی ابتدا بخاطر تلاش‌های پنهانی رژیم برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای بود، سپس خریدهای کلان تسلیحاتی این حکومت و اکنون و به موازات آن، بخاطر ترس برای توسعه نفوذ خود در جمهوری‌های مسلمان نشین شوروی سابق و تقویت بنیادگرایی اسلامی در این جمهوری‌ها، قرب و امریکارا آشکارا نگرانی خود از این تلاش‌های جمهوری اسلامی را بیان می‌کنند.

با فروپاشی اتحاد شوروی و

## اعتصاب در صنایع نفت

نفتگران بخاطر افزایش دستمز و دو حق تشکل دست به اعتصاب زدند

در همان زمان که حکومت خود را برای برگزاری «دهه نجر» و به رخ کشیدن «دستاوردی» انقلاب اسلامی آماده می‌کرد، هزاران تن از نفتگران در اعتصابی کم سابقه علیه فقر و گرانی فزاینده، زندگی طاقت فرسای جمهوری اسلامی و دفاع از حق تشکل خود به اعتراض برخاستند.

اعتصاب از روزهای آخر دی‌ماه از پالایشگاه تهران آغاز شد و بنا به برخی گزارشات به پالایشگاه‌های آبادان، شیراز، تبریز، اصفهان و کرمانشاه نیز سرایت کرد. مقامات جمهوری اسلامی کوشیدند مانع انتشار خبر اعتصاب شوند و آن را در «خاموشی» در بزم شکنند گزارش‌های رسیده حاکی از آن است که سران رژیم همزمان با وعده پذیرش خواست‌های کارگران، پاسداران سرکوبگر خود را به مناطق اعتصابی گسیل کردند و پالایشگاه‌های در حال اعتصاب را به محاصره درآوردند.

به همت سانسور خبری اعتصاب از سوی رژیم و تلاش برای جلوگیری هر چه بیشتر از انتشار خبر آن، اطلاعات دقیقی در مورد میزان و ابعاد اعتصاب در دست نیست. مقامات وزارت نفت

## کمبود سوخت در سرمای زمستان بیداد می‌کند

مقامات رژیم: سال آینده وضع بدتر خواهد شد.

هم زمان با تشدید سرمای زمستان، بار دیگر مشکل تهیه سوخت شدت گرفت و کلاف مشکلات لاینحل و بی‌شمار مردم را پیچیده‌تر کرد. طی هفته‌های گذشته سرما در برخی شهرهای کشور به ۳۰ درجه زیر صفر رسید. مدارس به همت نبود سوخت تعطیل شدند. در اکثر شهرها صف‌های طولانی از مردم در مقابل نفت فروشیها تشکیل شد. اما هلیروم ساخته‌ایستادن در صف نفت، بسیاری از مردم موفق به تهیه نفت و سایر مواد سوختی نشدند. این مشکل کم‌کم ادامه دارد و مردم امید می‌دهند که با سرما بسازند تا طبیعت به کمک آنان بیاید و زمستان سپری شود.

جمهوری اسلامی که سرانجام زیر فشار افکار همومی مجبور به تأیید خبر اعتصاب شدند این اعتصاب را بسیار محدود اعلام کرده و خبر وقوع آن تنها در پالایشگاه تهران را مورد تأیید قرار دادند. مقامات وزارت نفت تعداد اعتصاب کنندگان را ۴۰ تا ۵۰ نفر ذکر کردند در حالی که برخی گزارشات کارکنانی را که به اعتصاب پیوستند نزدیک به یکصد هزار تن ذکر کرده است. خبرگزاری رویتر هم چنین گزارش داد ۵۰ نفر از نفتگران بمدت دو هفته در پالایشگاه دست به اعتصاب غذا

بقیه در صفحه ۲

## مغوبین الملل :

## حقوق بشر در ایران همچنان پایمال می‌شود

مانده است. مغوبین الملل در همین حال از سفر سوم گالیندویل بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران، موافقت با بازدید نماینده صلیب سرخ از زندان‌های جمهوری اسلامی، هفو ویا تخفیف محکومیت برخی از زندانیان ابراز خشنودی نموده، اما تأکید کرده است که گروهی از زندانیان تنها پس از شرکت در نمایشات

بقیه در صفحه ۲

دیگر است دال بر انتخاب خطای نماینده رژیم به معاونت کمیسیون حقوق بشر ملل متحد چند روز پس از شروع اجلاس سالیانه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو، سازمان مغوبین الملل (امنستی) با انتشار اطلاه‌هایی در لندن، نسبت به ادامه نقض خشن حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران اعتراض کرد. در بیانیه هفو بین‌المللی خاطر نشان شده است

## هم‌صدور بنیادگرایی هم رابطه با غرب

مناسبات بین‌المللی در برنامه رفسنجانی برای «نوسازی» از ابتدای روی کار آمدنش جایگاه بس مهمی داشته است. او باین نتیجه رسیده بود که بدون گسترش مناسبات ایران با جهان خارج و در آوردن جمهوری اسلامی از حالت انزوا و بین‌المللی نمی‌تواند چرخ اقتصاد کشور را راه بیندازد و بعلاوه او بر این نظر بود که جمهوری اسلامی برای ایفاء نقش موثر در خلیج فارس و خاورمیانه می‌بایستی مناسبات حسنه با شیخ نشین‌های خلیج فارس و کشورهای عربی برقرار نماید.

اما صدور انقلاب اسلامی بشیوه‌ای که در دوره حیات خمینی جاری بود، مانع تحقق اهداف فوق‌الذکر بود. برای قرب و کشورهای عربی برقراری و گسترش مناسبات نزدیک با رژیم‌هایی که به اقدامات تروریستی دست زده و از تروریسم حمایت بعمل

چنین تلاشی‌هایی از سوی جمهوری اسلامی نگرانی غرب و امریکا را برانگیخته است. بسیاری از کشورهای منطقه بویژه همسایگان جنوبی ایران با آنکه پس از سال‌ها تیره‌گی روابط در پی بهبود مناسبات با جمهوری اسلامی هستند، اما پنهان نمی‌کنند که نگران مقاصد پنهانی سلطه طلبانه جمهوری اسلامی در منطقه هستند.

امریکا و برخی از کشورهای غربی به اقدامات گسترده‌ای برای مقابله با این تلاش‌های جمهوری

بقیه در صفحه ۲

## سخنی پیرامون مواضع اخیر نهضت آزادی

طی یک ماهه اخیر انتشار دو اطلاهیه از سوی نهضت آزادی، باز هم سئوالاتی پیرامون سیاست‌های این جریان را بجای آورده است. نهضت آزادی به رهبری مهندس بازرگان، در بحبوحه کشاکش بین‌المللی بر سر نقض حقوق بشر در ایران، یعنی از یکسو گزارش گالیندویل بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر در جمهوری اسلامی مبنی بر ادامه نقض حقوق انسانی از سوی حکومت اسلامی و از سوی دیگر، تلاش‌های گسترده برخی دولت‌ها و کشورهای برای رها کردن حکومت اسلامی از این داغ ننگ، اطلاهیه‌ای منتشر ساخت و مدعی بهبود وضع حقوق بشر در ایران گردید. نهضت آزادی مدعی شد

که سرکوب و اختناق در ایران به صورت قابل توجهی کاهش یافته و رژیم تمایل آشکاری به بهبود روابط خود با مردم نشان می‌دهد. نهضت آزادی در این بیانیه امکان درمان شدن و دریافت دارو برای ۹ زندانی امضا کننده نامه ۹۰ نفره را از جمله نشانه‌های بهبود وضع حقوق بشر و باز گرداندن کارخانه‌ها به «صاحبان اصلی شان» را نشانه بهبود اوضاع دانسته است. مهندس بازرگان و نهضت آزادی در بیانیه دیگری اعلام کردند که در انتخابات مجلس چهارم شرکت خواهند کرد و «پوزسیون معتد به قانون اساسی» را نیز فرا خوانده‌اند که در این انتخابات شرکت کنند.

بقیه در صفحه ۳

**در این شماره:**

**مصاحبه با دو نفر از اعضای شورای مرکزی سازمان**

در صفحه ۷

**مصاحبه نشریه کار با علی اصغر حاج سید جواد**

در صفحه ۸

**پیرامون خط مشی سیاسی و وظایف سیاسی روز**

در صفحه ۹

**ناخه مشترک به رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد**

در صفحه ۲

# تشنج میان غرب و جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

اسلامی وزیر فشار قرار دادن آن دست زده اند. در اثر فشار این کشورها هند و آرژانتین از همکاری های هسته ای خود با ایران منصرف شده اند و فشار بر چین برای قطع همکاری نظامی و هسته ای خود با ایران ادامه دارد. بگفته شاپوشنیک فرمانده نیروهای مسلح جمهوری های مشترک المنافع شوروی سابق در فاصله یک ماه این جمهوری ها از سوی وزاری خارجه سه کشور نسبت به صدور سؤال و اعتراض اقداماتی برای است. او گفته است اقداماتی برای کاهش صدور اسلحه به ایران در دست انجام است و افزود در نگرانی غرب از بابت معاملات اینچنینی با ایران شریک است. در ارتباط با تلاشهای حکومت ایران برای تقویت بنیادگرایی اسلامی در کشورهای آسیای میانه، آمریکا به یاری ترکیه شتافته است تا با تقویت توان رقابت ترکیه، تلاش های جمهوری اسلامی در این منطقه را مهار نماید و بموازات آن آمریکا به گسترش روابط خود با این جمهوری ها نیز دست زده است. سفر دمیرل نخست وزیر ترکیه به آمریکا و سفر اخیر بیکر به جمهوری های آسیای میانه شوروی بطور همده چنین هدفهایی را دنبال میکند. سران رژیم نیز بیکار ننشسته اند، اگر چه اقدامات آنها در برابر فشارهای غرب و آمریکا عمدتاً تدافعی است. پذیرش سفر یک هیات از آژانس بین المللی انرژی اتمی برای بررسی از تاسیسات هسته ای ایران، کشاندن حزب الله به خیابان ها برای نمایش موقعیت داخلی رژیم بود.

# اعتصاب در صنایع نفت

بقیه از صفحه اول

زده بودند. به گفته مقامات رژیم، اعتصاب با قول آتازاده وزیر نفت مبنی بر افزایش حقوق و دستمزدها از نیمه دی ماه جدید خاتمه یافته است. اما گزارشاتی مبنی بر ادامه اعتصاب در برخی مناطق نیز منتشر شده است. افزایش حقوق ها و دستمزدها، اتخاذ تدابیری جهت مقابله با شرایط سخت و خامت بار زندگی تحت حاکمیت فقها و ایجاد تشکلهای کارگری در صنایع نفت که مطابق قانون کار ممنوع اعلام شده است. از جمله خواست های اعتصابیون بوده است. آتازاده وزیر نفت در مصاحبه مطبوعاتی خود تاکید کرد که به زودی قانون کار در وزارت نفت به اجرا گذاشته خواهد شد. وی در این مصاحبه ضمن مخالفت با ایجاد تشکلهای کارگری در صنایع نفت خاطر نشان کرد که قانون، تشکیل شورای اسلامی در وزارت نفت را ممنوع کرده است.

اعتصاب نفتگران که هلیرقم همه تلاش های رژیم، ابتدا برای مسکوت نگاه داشتن آن و سپس برای کوچک نشان دادن ابعادش، از دامنه گسترده ای برخوردار بوده است، یکی از مهمترین حرکات اعتراضی در سال های اخیر به شمار می رود. حساسیت صنایع نفت در اقتصاد ایران و نقش بزرگی که اعتصابات کارکنان این صنایع در سرنگونی رژیم شاه ایفا کردند بر اهمیت این اعتصاب می افزاید. نفتگران که از سوابق مبارزاتی در خشتانی در مبارزه علیه دیکتاتوری و دفاع از حقوق پامال شده خود برخوردارند، این بار نیز با پیش کشیدن حق خود برای متشکل شدن نشان دادند که مبارزه شان تنها متوجه مسایل

# نامه مشترک به رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

با کمال تعجب، از طریق خبرگزاریها مطلع شدیم که نماینده جمهوری اسلامی از سوی نمایندگان کشورهای آسیائی، به معاونت ریاست اجلاس سالانه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، که رسالت آن پاسداری از حقوق بشر در جهان می باشد، انتخاب گردیده است.

آنچه به ویژه تعجب برانگیز است، اینست که از ۱۹۸۵ به این سو، دولت جمهوری اسلامی از سوی همین کمیسیون سازمان ملل، جزو کشورهای ناقض حقوق بشر شناخته شده و گزارش های فرستاده ویژه آن کمیسیون، آقای گالیندوپول و نیز سازمان حقوق بشر، کمیسیون خارجی سنای آمریکا و سایر محافل بین المللی، سرشار از داده ها و شهادت های تکان دهنده ای در رابطه با نقض حقوق انسانی در جمهوری اسلامی می باشد. پس چگونه با علم و آگاهی از این همه تخلفات، نماینده چنین کشوری را به نیابت ریاست این کمیسیون انتخاب کرده اند؟

دولت جمهوری اسلامی در سال ۱۹۹۱، طبق آمارهای معتبر، کشور بالاترین اعدام ها شناخته شده است. نقض ایران در گروگان گیری ها و ترور ریس بین المللی، اعدام های جمعی، سنکسار کردن ها، تبعیض زنان، نقض آزادی های اساسی اولیه و سرکوب مخالفان و دگراندیشان، از دیدگاه کمیسیون حقوق بشر

سازمان فداثیان خلق ایران (اکثریت)  
سازمان فداثیان خلق ایران  
حزب دموکراتیک مردم ایران  
پاریس ۱۰ بهمن ۱۳۷۰  
برابر با ۳۰ ژانویه ۱۹۹۲

اطلاعه گروه کار تشکیلات خارج کشور سازمان فداثیان خلق ایران (اکثریت)

# تعرض مجدد نیر و های نژادپرست و نئو فاشیست در سوئد

پناهندگان و مهاجران برابر اطلاعات رسیده موج جدیدی از اقدامات ضد خارجی در سوئد برخاسته است. تنها در یک هفته ۶ ترور با اسلحه و موارد متعددی از دیگر اشکال خشونت علیه خارجی صورت گرفته است. حال یک تن از مجروحان، که از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفته، شدت وخیم است و امیدی به ادامه حیاتش نیست. خسارات قابل توجهی به اماکن و اموال خارجیان وارد آمده است. احساس هدم امنیت همه جا بر زندگی خارجیان مقیم سوئد حاکم شده است.

این تعرضات محدود به روزهای اخیر نبوده اند. در موج دیگری از اقدامات تروریستی ضد خارجی، که در تابستان سال گذشته و از آن پس سوئد را فرا گرفت، یک نفر (هم میهنان جمشید رنجبر) کشته و دهها نفر بشدت زخمی شدند.

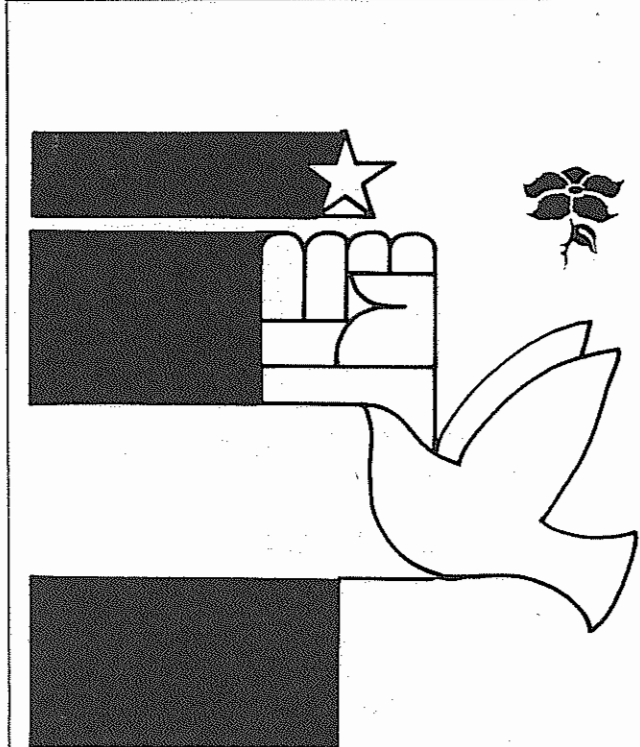
مقامات دولت سوئد از انتساب تعرضات اخیر به پاندهای نژادپرست و نئو فاشیست پرهیز کرده و با صرفاً جنائی و روانی اعلام کردن جنایات صورت گرفته، عملاً راه مجاشات را پیش گرفته اند. اما این واقعیت که آماج قربانیان این اقدامات همه جا خارجیان و اماکن و دارایی های متعلق به آنان بوده گویای آن است که دست کسی جز پاندهای مزکور در کار نیست. این اقدامات حلقه ای از زنجیره سیاستی که پاسخ مشکلات کشورهای اروپایی را در مواجهه خشن و غیر انسانی با خارجیان مقیم این کشورها، تضییع حقوق آنان و فراتر از آن پامال کردن حقوق دموکراتیک مردم خود این کشورها یافته است. سیاستی که به سوئد محدود نبوده و در تعداد کثیری از

کشورهای اروپایی آشکارا به عمل آمده است. ما این سیاست و حامیان آن را قویا محکوم می کنیم و همدردی خود را با قربانیان آن، در هر کجا و از هر ملت، اعلام می داریم.

پناهندگان و مهاجران ایرانی! اقدامات پیشگفته، در سوی دیگری، تحرک چشمگیری را در میان خارجیان و مردم و احزاب مترقی سوئد در سمت همبستگی بیشتر و دفاع از حقوق خارجیان برانگیخته است. هم اینک اعتراضات علیه خشونت ها آغاز شده بسیاری از احزاب و سازمان های سوئد، این حرکات نژاد پرستانه را محکوم کرده اند. روز هشتم فوریه استکلم شاهد دو تظاهرات بزرگ در پشتیبانی از حقوق خارجیان و علیه نژاد پرستی بود. اتحادیه سراسری مهاجران از عموم مهاجران و پناهندگان دعوت کرده است روز ۲۱ فوریه بمدت یکساعت دست از کار خود بکشند.

ما حمایت خود را از این تصمیمات اعلام می داریم و هم میهنان مهاجر و پناهنده گان راه چه در سوئد و چه در هر کجای دیگر، به اتحاد استوار در میان خود، همبستگی با خارجیان از سایر ملل و مبارزه مشترک بهمراه احزاب و نیروهای انسان دوست و دموکرات کشورهای مربوطه علیه نیروهای نژادپرست و نئو فاشیست و علیه تمایلات احزاب راست که به نیروهای مذکور میدان عمل داده است فرا میخوانیم.

با اتحاد و مبارزه پاسخی شایسته به تعرضات ضد خارجی پاندهای نئو فاشیست دهم گروه کار تشکیلات خارج کشور س. ف. خ. ا. (اکثریت) دهم فوریه ۱۹۹۲



۲۱مین سالگرد جنبش فداثیان را هر چه باشکوه تر برگزار کنیم!

سازمان فداثیان خلق ایران (اکثریت)

Der Beginn der Veranstaltung ist 18uhr  
am: 29Feb  
شروع ساعت ۱۸ بعدازظهر  
رویدیه ۱۰مارچ

Eintritt: 10DM

am:  
BRÜCKENKOPF-FORUM BONN-BEUEL  
Zentrum Kennedybrücke  
Friedrich-Breuer-Straße 17  
5300 Bonn 3 • Tel. 0228/460379

بقیه در صفحه ۳

# حقوق بشر در ایران همچنان پایمال می شود

تلوژیونی، آزادی خود را به دست آورده اند. این سازمان در پایان بیانیه خود از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل خواسته است که وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی را کماکان تحت نظر داشته باشد.

پس از انتشار این بیانیه، مقتدایی ضمن تکرار ادعاهای رژیم در مورد "حقوق بشر اسلامی" مدعی شد که در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد و منظور "خارجی ها" از نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی، دفاع از تروریست هایی است که علیه حکومت مبارزه مسلحانه می کنند. مقتدایی در شرایطی ادعای دروغ هدم وجود زندانی سیاسی در جمهوری اسلامی را تکرار کرد که در بیانیه رئیس قوه قضائیه بمناسبت هفتو گروهی از زندانیان، رسماً به وجود زندانیان سیاسی اعتراف شده و چندی پیش از آن نیز مقامات رژیم خبر دستگیری ۳۰۰ نفر از جمله وابستگان به گروه های سیاسی را منتشر کردند.

بیانیه هفتو بین الملل در مورد سرکوب حقوق بشر در جمهوری اسلامی در زمانی انتشار یافت که پایایی مقامات رژیم تلاش های ناپسندی از سوی برخی دولت های جهان نیز مبنی بر تبرئه حکومت اسلامی در زمینه نقض حقوق انسانی صورت میگرد. برجسته ترین ثمره این تلاش های ناپسند انتخاب نماینده رژیم به

معاونت آسیایی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در اوایل ماه جاری بود. این اقدام ننگین مورد اعتراض احزاب و سازمان های اپوزیسیون ایرانی، بسیاری از دموکراتهای جهان و گروهی از دولت ها قرار گرفت.

قابل تاکید است که در یکی از جلسات این کمیسیون که نماینده رژیم بر صندلی معاونت آن تکیه داده بود، بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر در امور اقلیت ها طی گزارشی از ۲۵ دولت از جمله جمهوری اسلامی نام برد که حقوق اقلیت های مذهبی را زیر پا می گذارند و به تعقیب و آزار و اعدام آنها می پردازند. در این گزارش خاطر نشان شده است که طی سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸ میلادی جمهوری اسلامی ۱۹۷ بجایی را اعدام کرده است. در این سالها ۱۵ تن از بهائیان مفقودالثر شده اند، بیش از ۱۰ هزار نفر از پیروان این فرقه از کار برکنار گردیده اند و حتی مردگان بجایی نیز نبش قبر شده و از گورستان های عمومی به نقاطی دیگر منتقل شده اند.

این گزارش که تنها گوشه ای از سرکوب وحشیانه حقوق بشر در ایران را بازتاب می دهد و هم چنین بیانیه هفتو بین الملل تازه ترین نمونه های معتبری هستند که از ادامه سرکوب حقوق بشر در ایران خبر می دهند. این نمونه ها دال بر نادرستی انتخاب

### مراسم سالگرد انقلاب "نمایش مشر و هیت"

هفته گذشته روز ۲۲ بهمن مراسم سالگرد انقلاب با راهپیمایی و اجتماع جمعیتی از مردم تهران در میدان آزادی برگزار گردید. رادیو جمهوری اسلامی از شرکت "میلیون هانفر از مردم تهران" در این راهپیمایی و گردهمایی سخن گفت و خبرنگاریها از اجتماع "هزاران نفر" و چند صد هزار نفر در میدان آزادی گزارش دادند. سلسله شعاریها مرگ بر... مرگ بر... حزب الله امسال کوتاه بود و تنها آمریکا و اسرائیل را شامل می شد. بسیاری از مقامات و مسئولان رژیم از جمله خود رفسنجانی در راهپیمایی به طرف میدان آزادی شرکت داشتند و سخنران اصلی گردهمایی هاشمی رفسنجانی بود. کربوبی رئیس مجلس و احمد فرزندان خمینی نیز جزو سخنرانان اجتماع میدان آزادی بودند. ویژگی عمده مراسم امسال سالگرد انقلاب در مقابسه با چند سال گذشته در آن بود که سران حکومت، بویژه خود هاشمی رفسنجانی با اصرار و سماجت تمام در تلاش بودند آن را به "نمایش مشر و هیت" بدل کنند. از این رو از هفته ها پیش صدا و سیما رژیم و مطبوعات دولتی تبلیغات وسیعی را برای ترفیب "امت"

به برگزاری مراسم سالگرد انقلاب و شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن بر اه انداخته بودند. رفسنجانی به این نیز قانع نبود و خود را سا برای بسیج حزب الله دست بکار شده بود. او در نماز جمعه قبل از ۲۲ بهمن که کنار قبر خمینی برگزار گردید، شرکت کرد و در خطبه های نماز جمعه در عین تعریف و تمجید از دستاوردهای ۱۳ ساله حکومت اسلامی برای مردم ایران، از مردم و از پیر و جوان، زن و مرد شهری و روستایی خواست روز ۲۲ بهمن چند ساعتی وقت خود را برای شرکت در راهپیمایی و حضور در اجتماع میدان آزادی صرف نمایند. او گفت: "این وظیفه استانتزین کاری است که هر کس می تواند اهم از پیاده یا سواره انجام دهد و نیز از شهر و روستا و از همه جا و همه افراد اهم از خانجا و آقایان، جوانان و افراد پیر همه و همه در این مراسم شرکت نمایند."

در همین نماز جمعه رفسنجانی قصد خود را از این تقلا برای بسیج حزب الله روشن کرد. او گفت: "یک راهپیمایی باشکوه و خیابان های مملو از جمعیت برای مدت طولانی این انقلاب را از طمع دشمنان بیمه می کند" و اضافه کرد "لازم نیست کار خاصی را صورت دهیم، همین فیلم هایی که بدنیا مخابره می شود آنجایی که در آن کاخ های شیشه ای شان نشسته اند برای ما طراصی میکنند، همانجا می فهمند که آن جاهائیکه آنها بدنبال شدند فتح شدنی نیست."

مفته های اخیر حکومت اسلامی از سوی قریب و محافل بین المللی بخاطر انبوه خریدهای تسلیحانی، تلاشهای پنهانی برای دستیابی به تکنولوژی تولید سلاح هسته ای و نیز مقاصد پان اسلامیتی که رژیم در جمهوری های مسلمان نشین تازه استقلال یافته شوروی و نیز شمال افریقا دنبال میکند بشدت تحت فشار است. در داخل کشور نیز رفسنجانی و هم دستانش در قدرت، در آستانه یک زور آزمایی اساسی با رقبای خود برای قبضه کامل ارگان های قدرت قرار دارند. این همه در حالیست که هنوز گریه از مصائب و مشکلات بیشمار معیشتی مردم گشوده نشده و دولت رفسنجانی برای مقابله بحران فلج کننده اقتصادی و اجتماعی کشور نتوانسته تدبیر جدی ارائه دهد.

رفسنجانی با بسیج "امت حزب الله" و برپائی نمایش قدرت قصد مقابله با تضعیف خود و حفظ موقعیت خود در چنین شرایطی را مد نظر داشته. او دنبال

### در حاشیه رویدادهای سیاسی

#### مردم، همچنان در "صحنه" اند؟

جمهوری اسلامی از بدو حیات خود بر "حضور یکپارچه مردم در صحنه های مختلف" تاکید کرده و از آن در سرکوب مخالفین و پیشبرد اهداف خود و به وسیع ترین وجه سود جسته است. جمهوری اسلامی این مسئله را همواره بعنوان خصلت مردمی خود و حمایت مردم از آن تلقی کرده است.

مردم در اجتماعی که بعد از انقلاب توسط جمهوری اسلامی برگزار میشد و سیما شرکت می بستند، ولی با تداوم سیاستهای واپس گرایانه، سرکوب مخالفین، تشدید فقر و فاقه در جامعه و بالتبذیه افزایش نارضایتیها و آگاه شدن قشرهای وسیعتری از جامعه از سیاست های ضد دموکراتیک حکومت، روز بروز از میزان شرکت کنندگان کاسته میشد. اخیراً روزنامه سلام مطلبی از روزنامه صبا بیک جنوب (شماره ۲۷) نقل کرده است که نشان میدهد چگونه رژیم جمهوری

#### فتوا علیه یک نشریه!

روزنامه سلام خبر داده است که یکی از ائمه جمعه علیه یک نشریه فتوا داده و خواندن آن و نشریات مشابه آنرا حرام و خوانندگان آنها را نیز گناهکار دانسته است. روزنامه سلام نام امام جمعه و نام نشریه را درج نکرده است، ولی آنچه معلوم است نشریه متعلق به جناح تندرو بوده و امام جمعه هم جزو طرفداران پرو پاقرض ائتلاف حاکم است. این مسئله به موضوع مشاجره مطبوعاتی تبدیل شده است. روزنامه سلام در اعتراض باین فتوا می نویسد: "آیا نیاز

#### بولتن های محرمانه!

رژیم جمهوری اسلامی مردم را شایسته و لایق آن نمی داند که در جریان واقعی امور قرار گیرند و از اوضاع کشور از طریق رسانه های گروهی آگاهی یابند. ارگانها و نهادهای حکومتی در این راستا می کوشند که "اسرار نظام" را حفظ کنند و نگذارند که مردم از آن با خبر شوند. آنها بخشی از "اسرار نظام" را بصورت بولتن های محرمانه منتشر ساخته و در اختیار کارگزاران خود قرار میدهند تا بهتر بتوانند سررشته امور را به دست گیرند. از جمله این ارگانها سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، سازمان تبلیغات اسلامی و جامعه روحانیت مبارز هستند.

واژه بولتن این بولتن ها، خبرنامه فرهنگی - اجتماعی سازمان تبلیغات اسلامی است که محرمانه

#### بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با صدور بیانیه ای فعالیت مجدد خود را رسماً شروع کرد. این سازمان در سال ۶۵ بر اثر اختلافات درونی منحل شد. مدتی پیش بخشی از اعضا کادر مرکزی آن که در سال ۱۳۶۰ بخاطر دیدگاهها و برداشت های متفاوت از سایرین استعفا داده بودند، بفر احیا مجدد این سازمان افتادند. آنها در مهر ماه امسال موفق به کسب مجوز قانونی فعالیت سیاسی از وزارت کشور شدند. احیا کنندگان این سازمان در مرامنامه و اساسنامه قبلی آن تغییراتی را داده اند.

#### هغو بین الملل:

##### بقیه از صحنه قبل

مامور رژیم به معنویت نمیسیون حقوق بشر است و بیانگر این واقعیت است که داغ ننگ سرکوب حقوق بشر همچنان بر پیشانی این رژیم دیده می شود.

هغو بین الملل هم چنین با انتشار بیانیه دیگری، نسبت به سلامت یک زندانی سیاسی موحد ایران نگرانی کرد. نظام الدین موحده که ۷۴ سال دارد در زندان اوین اسیر است، وی یک سال و ۲ پیش دستگیر شد. وی یک سال و ۲ ماه بعد از دستگیری در یک دادگاه فرمایشی محاکمه گردید و به ۳ سال زندان و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شد. مطابق قوانین رژیم مدت بازداشت وی در قبل از محاکمه جزو محکومیت او محسوب نمیگردد. در بیانیه هغو بین الملل از رفسنجانی و سایر مقامات رژیم خواسته شده است که این مرد ۷۴ ساله را بدون قید و شرط آزاد کنند. در این بیانیه از سلامت گروه دیگری از زندانیان سیاسی از جمله هلی اردلان از رهبران نهضت آزادی ایران نیز ابراز نگرانی شده است. قابل ذکر است که سازمان هغو بین الملل در شرایطی به دفاع از زندانیان نهضت آزادی و حقوق انسانی آنها برخاسته که این نهضت مدعی بهبود وضع حقوق بشر در ایران گردیده است!

سازمان راه را در انجام وظایفش باری رسانیده

#### سخنی پیرامون مواضع اخیر نهضت آزادی

##### بقیه از صفحه اول

و یارانش علیه اختناق حاکم را مسئولیت و وظیفه خود شناختند، اکنون نیز وظیفه و مسئولیت خود می دانند که نسبت به رفتار اخیر نهضت آزادی در برابر رژیم که مشابه آن در سالهای پیشین کم هم نبوده است، نگران باشند و هشدار بدهند.

ما همواره بر این نکته پافشاری کرده ایم که نهضت آزادی هیچ گاه به روش دموکرات های واقعی از آزادی آزدیخواهان "فدیر خودی" دفاع نکرده است. در پرونده این جریان سوابق ناخوشایندی در این زمینه وجود دارد. تأیید اقدامات رژیم در سرکوب کمونیست هادر سالهای ۶۱ و ۶۲ و به ویژه سکوت در مورد فاجعه کشتار و قتل هام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ از بارزترین نمونه ها در این زمینه است. هم و هم نهضت آزادی همواره متوجه این بوده است که موجودیت خود را حفظ و فعالیت قانونی را برای خویش تامین نماید و برای این منظور نیز سیاست خاصی را دنبال کرده است که در درجه نخست به جلب موافقت حکومتگران نظر داشته است، تا سازمانگری یک اقدام همگانی برای استقرار آزادیهای سیاسی در ایران.

مواضع اخیر نهضت آزادی این سؤال را پدید می آورد که در شرایط کنونی کدام حساب ها به تعدیل دگر باره در مواضع نهضت منجر شده است؟

رفع توقیف از دفتر این جریان و باز گرداندن آن به مالککش، یا امکان "دارو و درمان" زندانیان نهضتی، و یا نزدیک شدن انتخابات مجلس چهارم و وعده های جناحی از حکومت در مورد "تحمل انکار مخالف"؟ حتی اگر حساب هایی از این دست واقعیت داشته باشد و نهضت آزادی بتواند با انعطاف بیشتر در مواضع خود نسبت به رژیم، در

تغض خشن حقوق بشر در ایران، سرکوب دگر اندیشی، منو هیت احزاب و مطبوعات و اجتماعات، وجود زندانیان سیاسی، فشارهای غیر انسانی به اقشار مختلف مردم واقعی نیست که بتوان آن را کتمان کرد و در حالیکه اساسی ترین مشخصه های دموکراسی در ایران پایمال میشود، نمیتوان مدعی بهبود حقوق بشر در حکومت اسلامی گردید. واقعیت انکار ناپذیر ضد دموکراتیک بودن انتخابات مجلس چهارم نیز واقعی نیست که بتوان آن را پنهان کرد. رژیم چنان سیاست ارتجاعی و تنگ نظرانه ای در قبال این انتخابات در پیش گرفته که فریاد جناح ها و گروه هایی از خود آن نیز در آمده و سخن از هدم شرکت در انتخابات از سوی آنها می رود. این واقعیات آشکار تر از آن است که سیاستمدار کار کشته ای چون مهندس بازرگان آنها را نبیند و از بهبود وضع حقوق بشر در ایران و شرکت در انتخابات سخن گوید. موضع گیری های اخیر نهضت آزادی قبل از آنکه بیانگر واقعیاتی هر چند "جزئی" باشد، نشانگر نرزش سؤال برانگیز در سیاست های این جریان نسبت به حکومت

اپوزیسیون دموکرات رژیم طی دو سال گذشته و به ویژه پس از انتشار نامه ۹۰ نفر که در آن انتقادات صریح و شجاعانه ای از حکومت اسلامی و اختناق حاکم بر ایران طرح شده بود و موجب فشارهای همه جانبه ای بر امضاء کنندگان آن نامه گردید، به دفاع مسئولانه ای از نهضت آزادی برخاست. این اپوزیسیون مستمر نسبت به فشار های رژیم به نهضت آزادی اعتراض کرد و اعمال محدودیت علیه آن را افشا نمود. دموکرات های ایرانی به همان نسبت که مبارزه مهندس بازرگان

### از میان رویدادها

## مخالفت خامنه‌ای با آزادی اسیران جنگی عراقی

رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با ارسال نامه‌ای از خامنه‌ای خواست که دولت ایران رازهای کندی که اسیران عراقی را آزاد نماید. در این نامه به وجود اسیران جنگی ایرانی در عراق که دولت ایران مدعی آنست، اشاره‌ای نشد. خامنه‌ای در پاسخ، با این درخواست مخالفت کرد و آنرا موکول به تهیه لیست معقودان ایرانی توسط صلیب سرخ و آزادی همزمان اسیران عراقی و ایرانی کرد.

## تخصیص ارز برای کمک به مطبوعات

این طرح در سخنرانی خود اظہار داشت تیراژ سرانه مطبوعات در ایران از کشورهایی مانند ترکیه، پاکستان و نیکاراگونه هم پایین تر است. وی افزود که تیراژ سرانه کنونی حتی از تیراژ سرانه در دوران مشروطیت نیز کمتر شده است.

## چند خبر کوتاه

- \* بنابه خبر منتشره در برخی رسانه‌ها دکتر لاریجانی به عنوان سفیر جمهوری اسلامی در لندن برگزیده شده است و بزودی، راهی انگلستان خواهد شد. وزارت خارجه جمهوری اسلامی از تأیید این خبر خودداری کرد.
- \* محمد علی هادی به سمت سفیر فوق‌العاده و نماینده تام‌الاختیار جمهوری اسلامی در عربستان سعودی منصوب شد. هادی دو دوره نماینده مجلس و زمانی نیز عمده دار سنارت جمهوری اسلامی در امارات متحده عربی بود.
- \* در پی فرا خواندن سفیر الجزایر از تهران توسط دولت این کشور، سفیر جمهوری اسلامی از الجزایر نیز به تهران بازگشت. بازگشت سفیر ایران در الجزایر به درخواست دولت الجزایر صورت گرفت.
- \* تیم فوتبال استقلال تهران پس از تساوی با تیم پیروزی، مقام قهرمانی باشگاه‌های تهران را از آن خود کرد. پیروزی در پی این تساوی و در مجموع با یک امتیاز ورزشکارانی از ۳۵ کشور شرکت
- \* به سنت سال‌های اخیر، در آستانه انقلاب بهمن، رژیم جمهوری اسلامی مسابقات بین‌المللی دهه فجر را برگزار کرد. در این مسابقات ورزشکارانی از ۳۵ کشور شرکت
- \* تیم فوتبال استقلال تهران پس از تساوی با تیم پیروزی، مقام قهرمانی باشگاه‌های تهران را از آن خود کرد. پیروزی در پی این تساوی و در مجموع با یک امتیاز ورزشکارانی از ۳۵ کشور شرکت

## دادگاه ویژه روحانیت دست از سر الویری بر نمی‌دارد

مرتضی الویری، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه طی نامه‌ای به خامنه‌ای از اینکه دادگاه ویژه روحانیت همچنان به حمله کرد، الویری در پی دیدار گروهی از نمایندگان مجلس با منتظری و ایراد سخنرانی در دفاع از این حرکت، توسط دادگاه ویژه روحانیت تحت پیگرد قرار گرفت. گفته می‌شود پیگرد وی پس از وساطت خامنه‌ای معطل گذاشته شد. با وجود این الویری در نامه به خامنه‌ای متذکر شد که دادگاه روحانیت همچنان وی را به چنان جرائمی متهم میکند که امکان پذیرش مسئولیت‌های سیاسی را از او سلب می‌کند. الویری ادامه حضور خود در ارگان‌های جمهوری اسلامی را مشروط به نظر خامنه‌ای کرد. در پاسخ به این نامه خامنه‌ای اگر چه بر "تذکر" سوابق و مواضع انقلابی " الویری انگشت نهاد اما بلافاصله افزود که باید مواظب "قول و فعل" خود باشید که مورد بهره‌برداری دشمنان قرار نگیرد. "قول و فعل" مورد نظر خامنه‌ای باید دیدار الویری با منتظری و سخنانش در دفاع از وی بوده باشد. خامنه‌ای در این نامه استفسار الویری پیرامون حفظ مسئولیت‌های سیاسی و انصراف از آن را بی‌پاسخ گذاشت.

داشتند. مراسم افتتاحیه این بازیها در سالن ۱۲۰۰۰ نفری مجموعه ورزشی آزادی برگزار گردید. از جمله برنامه‌های مراسم افتتاحیه، عملیات جنگ سرنیزه با تفنگ بود که توسط ۴۰۰ تن از درجه‌داران به اجرا درآمد! از دیگر برنامه‌های افتتاحیه اجرای سرودی در اهلام اتحاد سپاه و ارتش و سایر نیروهای مسلح بود!

## حمایت رفسنجانی از سیاست‌های وزارت ارشاد

رفسنجانی با وزیر، معاون و مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دیدار کرد. در این دیدار خاتمی ابتدا گزارشی از فعالیت‌های فرهنگی و هنری در جامعه ارائه داد و سپس رفسنجانی سخنانی ایراد نمود. این دیدار بعد از جارو و جنجالهای چند ماه اخیر پیرامون "تعمیر فرهنگی دشمن" حائز اهمیت بود. از مدت‌ها قبل سازمان تبلیغات اسلامی و روزنامه کیهان مسئله "تعمیر فرهنگی دشمن" را علم کردند و آن را خطر مهم برای انقلاب اسلامی قلمداد نمودند. جنتی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه مرتباً به سیاست‌های فرهنگی وزارت ارشاد و به نویسندگان و هنرمندان غیر وابسته به رژیم حمله نمود. روزنامه کیهان نیز مطالب زیادی را به این مسئله اختصاص داد و تعدادی از کتابها و نشریات منتشره را زیر ضرب گرفت و سیاست وزارت ارشاد در مورد انتشار کتاب و نشریات را مورد نقد قرار داد. بدنبال آنها خامنه‌ای در یکی از نطق‌های خود مسئله "تعمیر فرهنگی دشمن" را مطرح نمود. با سخنان خامنه‌ای موج عظیمی راه افتاد و در مطبوعات کشور، نطق‌های نمایندگان مجلس و خطبه‌های نماز جمعه تعمیر فرهنگی بعنوان شگرد جدید دشمن طرح گردید. بخش مهمی از این حملات متوجه سیاست‌های فرهنگی وزارت ارشاد و در راس آن خاتمی بود. حذف میزبانی کتاب و اعتراض به تشکیل فیر هلنی دادگاه مدیر

روزنامه خراسان به تشدید این حملات منجر شد. بهمین خاطر فشار از جانب طراحان مسئله "تعمیر فرهنگی دشمن" و جناح رسالت برای برداشتن خاتمی افزایش یافت. این مسئله در نطق نمایندگان مجلس شورا نیز بازتاب پیدا کرد. ریخته‌نماینده قاننات: "در جلسات گروهی که در گوشه و کنار تشکیل میگردد، عمده مشکل فرهنگی را در چهره وزارت ارشاد می‌بینند و ابراز امیدواری می‌کنند که با تعویض وزیر ارشاد این تعارض فرهنگی پایان پذیرد" (کیهان ۱۰ مهر ۷۰). بدنبال این حرکات، شایعات در مورد استعفا خاتمی بالا گرفت.

رفسنجانی با این موج برخاسته همصدا نشد ولی در مقابل آن هم نایستاد و در برخی از سخنرانی‌هایش بطور کلی به مسئله "تعمیر فرهنگی دشمن" اشاره کرد. مخالفین سیاست‌های وزارت ارشاد رفسنجانی را تحت فشار قرار داده بودند خاتمی را که جزو جناح تندرو هم است، کنار بگذارد. ولی این دیدار و سخنان رفسنجانی نشان می‌دهد که او به این فشارها تن نداده و سیاست فرهنگی وزارت ارشاد را مجدداً تأیید کرده است. رفسنجانی در سخنان خود گفت که عدم تحمل افکار و نقادیهای مخالف یکی از موانع رشد و تکامل در جامعه است و نقد و بررسی و بحث در عالم مطبوعات و نیز در محیط‌های آزاد، به دور از حب و بغض میتواند بر رشد و تعالی جامعه کمک کند و اضافه کرد: "اگر در جامعه‌ای مصونیت فرهنگی وجود داشته

## تولید نفت اوپک کاهش می‌یابد

بقیه از صفحه اول

نفت اوپک صورت نگیرد قیمت نفت در سه ماهه دوم سال جاری میلادی بشدت سقوط خواهد کرد.

در هفته‌های اخیر قیمت نفت در بازارهای جهانی بطور بیسابقه‌ای کاهش یافت و قیمت نفت حوزه خلیج فارس به زیر ۱۵ دلار رسید. پیش از اجلاس اخیر اوپک اقلب کشورهای عضو با کاهش مقداری از تولید خود در صدد مقابله با سقوط بهای نفت برآمدند. اما این میزان کاهش چاره ساز نشد و تغییری در نرخ‌های پایین نفت بوجود نیاورد. افزایش تولید و عرضه نفت بیش از سهمیه تعیین شده توسط برخی از اعضای اوپک یکی از عوامل سقوط بهای نفت بوده است. اگر اوپک نتواند توافق حاصل شده برای کاهش ۱/۸ میلیون بشکه در میزان تولید خود را به اجرا بگذارد و اضافه تولید نفت از سوی کشورهای چون عربستان سعودی ادامه یابد، انتظار رساندن بهای نفت به سقف ۲۱ دلار آنطور که کشورهای چو چون جمهوری اسلامی خواهان آتند بجموده خواهد بود. در سال‌های اخیر در موارد زیادی تصمیمات اوپک درباره سقف تولید آن و رعایت سهمیه‌های تولید و عرضه توسط اعضای اوپک از سوی خود آنها نقض گردیده است.

میزان تولید اوپک و اعضای آن در ماه ژانویه ۱۹۹۲ میلیون بشکه در روز

کل تولید جهان 65,4

کل تولید اوپک 24,3

AFP Infografik

## مشعل المپیک زمستانی آفر وخته شد



روز یکشنبه ۹ فوریه المپیک زمستانی با مشعل شدن مشعل المپیک آغاز شد. در این دوره المپیک زمستانی ورزشکاران جامعه دولت‌های مستقل، وارث عمده اتحاد شوروی با پرچم و سرود المپیک پا به این بازی‌ها نهادند. اما ورزشکاران شرق آلمان این بار تحت پرچم و سرود غرب آلمان به میدان آمدند و با حضور اینگونه خود آلمان واحد را در روز ششم بازی‌ها به سکوی اول المپیک فرا نشانده. در جدول رده‌بندی کلی مدالها در روز ششم آلمان، اتریش و جامعه دولت‌های مستقل به ترتیب مقام‌های اول، دوم و سوم را احراز کرده بودند. برای اتریش این بالاترین مقام حاصله بوده است. فرانسه کشور میزبان به‌مقام چهارم بسنده کرد. متأسفانه هیچ ورزشکاری از کشور ما در این بازی‌ها حضور نداشت. در حاشیه المپیک زمستانی جالب توجه است که دوره بعدی این بازی‌ها در سال ۱۹۹۶ بلکه در سال ۱۹۹۴ برگزار خواهد شد. این تصمیم بدین دلیل اتخاذ شده است که بجای برگزاری المپیک زمستانی و تابستانی در یک سال، هر دو سال یکبار یکی از این بازی‌ها برگزار شود. نکته قابل توجه دیگر ایده جدید سازمانش دبیر کل کمیته بین‌المللی المپیک در مورد نحوه برگزاری بازی‌های المپیک است. طبق پیشنهاد سازمانش برگزاری بازی‌های المپیک نباید در یک کشور متمرکز شود، بلکه بخش‌های مختلف

# هم صدور بنیادگرایی، هم رابطه با غرب

پیرامون "هغو" زندانیان

به مناسبت سالگرد انقلاب

## زندانیان سیاسی باید آزاد شوند

بقیه از صفحه اول

برای اجرای برنامه‌های او کشور، او و هم‌دستانش توانستند در جریان انتخابات مجلس خبرگان ضربه جدی به جناح تندرو وارد آورند. رفسنجانی از موقعیت مساعدی که فراهم آمده بود، بیشترین سود را برد و توانست مناسبات جمهوری اسلامی را با کشورهای اروپایی بویژه آلمان، فرانسه، انگلستان و ایتالیا گسترش بخشد. از آنجمله تاکنون قراردادهای متعدد اقتصادی بین ایران و این کشورها منعقد گردیده است. در همین حال در این مدت مناسبات ایران و کشورهای خلیج فارس بهبود یافت و رابطه با عربستان و اردن مجدداً برقرار گردید. هم چنین جمهوری اسلامی در راستای حل مسئله افغانستان از طریق مذاکره و بطور مسالمت‌آمیز پیش‌رفت. یکی از موانع جدی در مناسبات بین ایران و غرب بویژه آمریکا مسئله گروگان‌های قریبی در لبنان بود. رفسنجانی در این زمینه کوشش زیادی بعمل آورد. او بلاخره با مذاکره و دادن پول‌های کلان حزب‌های لبنان را قانع کرد که گروگان‌گیری امر بیجوده است. سرانجام گروگان‌های قریبی (غیر از دو آلمانی) آزاد شدند و مشکل گروگان‌ها حل شد. غرب آزادی گروگان‌ها را به حساب رفسنجانی نوشت.

مقابله جناح تندرو و مواضع احمد خمینی و خامنه‌ای موجب شد که مسئله مذاکره مستقیم با آمریکا مسکوت بماند. ولی در همین حال دولت رفسنجانی بدون سروصدا "جان پاتیس" یک شهروند آمریکایی را که از سال ۱۹۸۶ بعنوان جاسوس زندانی کرده بود، آزاد ساخت. امریکاییان از آزادی گروگان‌های قریبی در لبنان بابت فراموش جنگ افزارهایی که در زمان شاه سفارش داده شده ولی تحویل نگردیده بود، مبلغی حدود ۲۵۰ میلیون دلار پرداخت کرد. با وجود مناسبات خصمانه بین ایران و آمریکا، هم اکنون آمریکا از نظر اهمیت ششمین کشور طرف بازرگانی ایران است.

دولت رفسنجانی در گسترش مناسبات با غرب نتوانست به تمام خواسته‌هایش برسد. گرچه همکاری‌های اقتصادی تا حدودی گسترش یافت ولی در هرصه سیاسی موفقیت چندانی حاصل نشد. تداوم سیاست سرکوب، نقض حقوق بشر، حمایت از جنبش‌های بنیادگرا توسط جمهوری اسلامی در این امر موثر بودند. مسافرت رفسنجانی به فرانسه و آلمان عملی نشد و مسافرت میتران رئیس‌جمهور فرانسه که قرار بوده تهران برود به زمان نامعلوم موکول گردید. گسترش مناسبات با غرب به هیچ وجه به معنی کنار گذاشتن سیاست حمایت از جنبش‌های بنیادگرای اسلامی توسط دولت رفسنجانی نبود. جمهوری اسلامی در کلیت خود از جمله رفسنجانی هیچ وقت از اهداف و آرمان‌های خود دست نکشیده است. برخلاف تصور برخی محافل سیاسی، رفسنجانی همانند سایر نیروهای

مشمول "هغو" شده‌اند. اطلاعاتیه توه قضائیه رژیم تایید همیشگی خود بر نقض حقوق انسانی و به ویژه حقوق مبارزین سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و دشمنی پایان ناپذیر این رژیم با مخالفین سیاسی خود است. از نظر حکومت اسلامی و قوانین آن مخالفینی که مطابق میل رژیم نسبت به اهداف و عقاید خود توبه نکرده باشند، حق زندگی آزادانه در ایران ندارند. رژیم در ۱۳ سال گذشته برای این منظور بسیار کوشید: به اعدام‌های گسترده دست زد، هزاران تن را دستگیر و وحشیانه شکنجه کرد، ده‌ها هزار تن را به مجازات‌های از کشور مجبور ساخت و حتی از توطئه کثیف و هولناک قتل‌عام خودداری نکرد.

اکنون نیز رژیم همان سیاست را در ابعادی دیگر تکرار می‌کند و در حالیکه عوام‌فریبانه از "لزوم تحمل افکار مخالف" سخن می‌گوید، صاحبان اندیشه‌های مخالف را در زندان‌ها به بندمی‌کشد و شرط آزادی آنها را توبه از اعتقاداتشان قرار می‌دهد. آزادی زندانیان سیاسی یکی از خواسته‌های اساسی هر جنبش دموکراتیکی است که علیه استبداد و خودکامگی می‌جنگد. تا زمانی که حتی یک زندانی سیاسی وجود دارد، این خواست پا برجاست. تاریخ نشان داده است که این خواست بر اثر اعمال نیروی آزادی و مردم و نه اراده و تمایل رژیم‌های دیکتاتوری متحقق می‌شود. مردم ایران آزادی شرافتمندانه زندانیان سیاسی را بر رژیم شاه تحمیل کردند و بر رژیم اسلامی نیز تحمیل خواهند کرد.

در آستانه سالگرد انقلاب محمد یزدی رئیس توه قضائیه با ارسال نامه‌ای به خامنه‌ای تقاضای "هغو" گروهی از زندانیان را نمود و خامنه‌ای نیز با درخواست او موافقت کرد و بدین ترتیب سناریوی هر ساله "هغو" به اجرا درآمد.

رژیم از مدت‌پیش از "هغو" زندانیان، پیرامون آن دست به تبلیغات زد و حتی شایعاتی در مورد "هغو عمومی" نیز بر سر زبان‌ها انداخت. اما با انتشار اطلاعاتیه رئیس توه قضائیه و اعلام شرایط "هغو" روشن شد که بخشودگی تنها شامل گروهی از زندانیان عادی بوده است. مطابق اطلاعاتیه توه قضائیه محکومین به حبس تا یک سال بخشوده شده‌اند و مدت یک سوم از محکومیت زندانیانی که بیش از یکسال محکوم شده‌اند، کاسته شده است. محکومیت زندانیان ابد به ۱۵ سال تقلیل یافته است. زندانیانی که در ارتباط با مواد مخدر، سرقت‌های مسلحانه، اخلاف در نظام اقتصادی (مطابق قانون مصوب سال ۶۹)، اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری بالای یک میلیون ریال، قمارت "بیت المال" محکوم شده‌اند و هم چنین زندانیانی که بیش از ۳ بار سابقه محکومیت دارند، شامل هغو نشده‌اند.

رژیم زندانیان سیاسی را نیز از زمره زندانیانی که شامل "هغو" شده‌اند، مستثنی کرده است. مطابق اطلاعاتیه توه قضائیه "مجرمان علیه امنیت کشور" کسانی که برای براندازی نظام "توطئه" کرده‌اند و وابستگان به گروه‌های سیاسی تنها به شرط آنکه توبه کرده باشند و توبه‌اشان مورد تایید چندین مقام و ارگان امنیتی رژیم قرار گرفته باشد،

### شاپو شنیکف :

## صدور اسلحه به ایران را کاهش می‌دهیم

یوگنی شاپوشنیکف فرمانده نیروهای مسلح جامعه دولت‌های مستقل (ج. د. م.) در حاشیه اجلاس سران کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل در نیویورک اعلام کرد از سوی این جامعه اقداماتی برای کاهش صدور اسلحه به ایران در دست اجراست. وی افزود هدف از این اقدامات این است که تجهیزات نظامی به دولت‌های افراطی تحویل داده نشود. شاپو شنیکف گفت تدابیر مزبور برای کاهش صادرات نظامی به ایران بدنبال طرح سئوالاتی از سوی وزیر خارجه سه کشور وی افزود: "اکنون برای کاهش شمار چنین سئوالاتی، تدابیری در دست اجراست." شاپوشنیکف از دادن توضیح در باره جزئیات

تدابیر، خودداری کرد و گفت این موضوع "بسیار حساس است". او همچنین از تایید یا تکذیب این خبر که تحویل جنگنده و تانک به جمهوری اسلامی در چارچوب قراردادهای امضا شده قبل و بعد از انحلال شوروی ادامه دارد، سر باز زد. در همین حال شاپوشنیکف گفت به نظر او "تسلیمات نباید بدست یک سلسله دولت‌های افراطی بیافتد". او افزود با غرب در نگرانی از بابت معاملات اینچنینی با ایران، شریک است. به گفته شاپوشنیکف بر فهرست "خریداران نامطلوب" سلاح‌های شوروی باید چند کشور دیگر را نیز افزود، و معاملات تسلیحاتی با این کشورها نیز در چارچوب سیاست جدید تغییر خواهد یافت. شاپوشنیکف توضیح بیشتری نداد.

جمهوری اسلامی در جهت توسعه اسلام بوجود آمده است. فروپاشی اتحاد شوروی و تشکیل دولت‌های مستقل در جمهوری‌های مسلمان نشین، پیروزی بنیادگرای الجزایر در انتخابات، تشدید گرایش بنیادگرایی اسلامی در سودان و پاکستان و... برخی از محافل سیاسی غرب صحبت از موج دوم اشاعه بنیادگرایی اسلامی میکنند. بنظر آنها نسل جدید بنیادگرایان در حالی پا به عرصه وجود می‌گذارند که پس از سال‌ها خشونت، انقلاب اسلامی در ایران آرامش خود را باز یافته و لبنان نیز به آهستگی صاحب نظم دوباره‌ای می‌شود. این نسل از اشتباه‌های ایران و لبنان درس گرفته و می‌کوشند مرتکب خطای فاحشی نشوند.

دولت رفسنجانی بر بستر این وضعیت مساعد، فعالیت خود را در این راستا دو چندان کرده است. این مسئله برای جمهوری اسلامی از دو جنبه حائز اهمیت است هم جنبه آرمانی هم جنبه سیاسی. جمهوری اسلامی



تحت فشار شدید آمریکا و در مواردی عده‌ای از کشورهای اروپایی و سازمان‌های بین‌المللی است. در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس آمریکا می‌کوشد که جدا از ایران پیمان‌های منطقه‌ای بوجود آورد و مانع نفوذ جمهوری اسلامی شود. آمریکا از نفوذ ایران در جمهوری‌های مسلمان نشین اتحاد شوروی سابق، در خاورمیانه و افریقای شمالی نگران است. بهمین خاطر به اقدامات وسیعی برای مقابله با بنیادگرایی اسلامی دست یازیده است. مسافرت اخیر جیمز بیکر به جمهوری‌های مزبور در این رابطه است. جمهوری اسلامی نیز برای خنثی کردن این فشارها در جهت تشکیل یک محور سیاسی حول اسلام گام برمی‌دارد که قاعدتا ایران، سودان، پاکستان، لیبی و بخش‌هایی از مجاهدین افغانی و جنبش‌های

احتیاج به تدبیر داریم که این پایگاه را محکم کنیم هم در سیاست خارجی‌مان احتیاج به تدبیر داریم که بتوانیم حضور پیدا کنیم و مردم را کمک کنیم بدون اینکه تحت تروریسم بمانند و به ما افراطی بگویند. ما احتیاج نداریم که حرف افراطی بزنیم، ما احتیاج نداریم چیزهایی بگوئیم که عملی نشود و بی‌خود بترسانیم و راه خود مان را به بندیم. ما نیاز داریم که هافلان، مدبرانه اسلام را، قرآن را، سنت پیامبر را، تاریخ اسلام را برای مردم بگوئیم و مسلمانان را آگاه کنیم. آنها هم وظیفه خودشان را انجام می‌دهند، راه خودشان را پیدا کرده‌اند و می‌روند. ما شمع محفل دنیای اسلامی می‌توانیم باشیم به شرط اینکه با تدبیر و آگاهی عمل کنیم. در ماه‌های اخیر زمینه‌های عینی مساعدی برای فعالیت

اسلامی در جمهوری‌های مسلمان نشین شوروی سابق و در کشورهای عربی نظیر الجزایر، تونس، مصر، مراکش، اردن را در بر میگیرد. سران حکومت می‌کوشند که جمهوری اسلامی در مرکز حرکت اسلامی قرار گیرد و اتحادها و همکاری‌ها در اشکال متنوع بین بنیادگرایان بوجود آید. فروپاشی اتحاد شوروی، شکست عراق در جنگ خلیج فارس، گسترش بنیادگرایی در کشورهای اسلامی، موقعیت ممتازی به جمهوری اسلامی در منطقه بخشیده است. ایران هم اکنون به بزرگترین قدرت منطقه خلیج فارس تبدیل شده است. جمهوری اسلامی می‌خواهد بیک قدرت نیرومند در منطقه تبدیل شود. بهمین خاطر با وجود نابسامانیهای اقتصادی، بی‌دریغ در راه گسترش تسلیحات گام بر می‌دارد و هزینه‌های کلانی را بآن اختصاص می‌دهد.

رفسنجانی برای تحقق بخشیدن به اهداف فوق‌فعلانه به میدان آمده است. او در این راستا در کنفرانس اسلامی در سنگال شرکت کرد و تلاش نمود نظرات خود را در آنجا به پیش ببرد. او بعد از شرکت در کنفرانس راهی سودان شد و از اینکه در آنجا حکومت اسلامی حاکم است و مردم با سلام روی می‌آورند شگفتا خرسند گشت. بدنبال این مسافرت، جمهوری اسلامی روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی خود با رژیم نظامی ژنرال البشیر و سیعاً گسترش داده و کمک‌های زیادی را به سودان متقبل شد.

مناسبات جمهوری اسلامی با دولت پاکستان نیز وسیعاً گسترش یافته و فعالیت آن در جمهوری‌های آسیایی اتحاد شوروی سابق نیز شدت گرفته است. جمهوری اسلامی پیروزی بنیادگرایان اسلامی در انتخابات الجزایر را "یک موفقیت درخشان برای ایدئولوژی اسلامی" بشمار آورده و به حمایت از آنها برخاست.

جمهوری اسلامی پیروزی "جنبه رستگاری اسلامی" در الجزایر، استقرار رژیم بنیادگرا در سودان، تقویت گرایش بنیادگرایی در حکومت پاکستان و عده‌ای از کشورهای عربی، گسترش گرایش اسلامی خوامی در جمهوری‌های آسیایی شوروی سابق بویژه در تاجیکستان را نشانه بارز حقانیت اسلام و رژیم جمهوری اسلامی تلقی میکند. رفسنجانی در تعلق افتتاحیه در کنفرانس اندیشه اسلامی گفت: "اکنون زمان مناسب برای حرکت‌های اسلامی و حاکمیت آرای مردم است و ما باید از این در عملکرد استکبار وجود دارد استفاده کنیم و به دنیا نشان دهیم که ایدئولوژی قادر است ملت‌ها را اداره کند."

## دانشگاه امام صادق منبع زراندوزی آخوندها!

در بررسی لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم، در مجلس شورای اسلامی یکی دیگر از موسساتی که آخوندها بعد از انقلاب تحت پوشش‌های مختلف برای زراندوزی بوجود آورده‌اند، ملا شد. این موسسه جامعه امام صادق یا دانشگاه امام صادق است که ظاهراً یک موسسه آموزشی، تحقیقاتی و فرهنگی غیر دولتی است که مرکز آن در تهران بوده و زیر نظر مهدوی کنی دبیر جامعه روحانیت مبارز تهران فعالیت میکند.

دانشگاه امام صادق تاکنون به برکت دولت جمهوری اسلامی از پرداخت مالیات معاف بوده است. امسال در اولین بند لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم، این جامعه از لیست موسسات و نهادهایی که از دادن مالیات معاف هستند، حذف گردید و درآمدهای آن مشمول پرداخت مالیات شده است. هنگام بررسی لایحه مزبور موحدی ساوجی پیشنهاد حذف این ماده را که

بموجب آن جامعه از پرداخت مالیات باز هم معاف شود، ارائه نمود. موافقین این پیشنهاد با اشاره به کمبود فضای آموزشی و کشور و فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی این دانشگاه، خواستار معافیت آن از پرداخت مالیات بودند. مخالفین این پیشنهاد بیان می‌داشتند که دانشگاه امام صادق در واقع یک بنیاد اقتصادی است و درآمدهایش بسیار بیشتر از هزینه‌هایش می‌باشد.

دانشگاه امام صادق دارای درآمدهای کلانی است و صاحب تعدادی از کارخانه‌جات و مجتمع تجاری در مشهد است و در هر صدهای مختلف از جمله ساختمان سازی به سرمایه‌گذاری می‌پردازد که نمونه‌ای از آن پروژه ساختمان سازی در زمینی به مساحت ۱۰ هزار متر مربع در تقاطع خیابان ولی‌عصر و طالقانی است. بگفته بهزادیان مخیر کیسیون اقتصاد و دارایی مجلس در این زمین ۹۰ هزار متر مربع

### بازرسی از تاسیسات هسته‌ای ایران

بقیه از صفحه اول.

هسته‌ای انتشار یافت. سران رژیم این گزارشات را تکذیب کرده و مدعی شدند در پی بدست آوردن سلاح اتمی نیستند و به مقررات منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پایبندند. با این همه این گزارشات ادامه یافت و سران حکومت مجبور شدند با سفر هیاتی از آنس باین‌المللی اتمی برای بازرسی از تاسیسات هسته‌ای ایران موافقت نمایند. نتیجه بازرسی این هیات وجود اقداماتی برای دسترسی به سلاح اتمی از سوی حکومت اسلامی را تأیید نمی‌کند، اما آنچه امروز وجود ندارد بمعنی آن نیست که فردا هم نخواهد بود. سران تهران اندک زمانی است که سودای تجویز به توان تولید سلاح اتمی را در سر می‌پروراندند. بنابراین این بازرسی‌ها باید ادامه

یابد و نه تنها در مورد ایران بلکه هم چنین در مورد سایر کشورهای منطقه و از جمله اسرائیل، پاکستان نیز سال‌ها بود که تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را انکار می‌کرد اما امروز اعلام می‌کند که دارای توان تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای را داراست. علیرغم مواضعی که اخیراً در برابر کوشش‌های رژیم جمهوری اسلامی برای تجویز به تکنولوژی هسته‌ای ایجاد شده و حتی بعضی از کشورهای دارای توان هسته‌ای همچون هند و آرژانتین از همکاری در این زمینه با جمهوری اسلامی منصرف شده‌اند، همین امکانات دولت پاکستان و روابطی که اخیراً میان جمهوری اسلامی و پاکستان پدید آمده می‌تواند حکومت ایران را در رسیدن به مقاصدش یاری دهد.

### کمبود سوخت در سرمای زمستان بیداد می‌کند

دولت که از وزارت نفت خواسته بود بعلت کمبود نفت و مشکلاتی که به وجود آمده از مردم "مذخر خواهی" کند، وزارت نفت و سیاستهای آنرا در بروز کمبودها بی‌تقصیر دانست و گفت: "متأسفانه همه ساله در سرمای زمستان هدهای یادشان می‌آید که زمستان سرد است و سوخت مشکل زاست و به جای حل منطقی ریشه‌های مسأله با حواشی آن برخورد می‌کنند."

در حالی که وزارتخانه‌ها و مسئولین رژیم مشغول جنگ و جدال و انداختن تقصیرها به گردن یکدیگر هستند؛ مشکل، بدون چشم‌اندازی برای حل آن هم چنان باقی است. مشکل سوخت رسانی، مشکل هر ساله‌ای است که با سرد شدن هوا شروع می‌شود و هر سال نه تنها زیانهای عظیم به محصولات کشاورزی و صنایع می‌زند و نه تنها زندگی را بر مردم سخت می‌کند، بلکه فجایعی چون یخ زدن کودکان خردسال مردم کم درآمد در آغوش پدران و مادران دردمند خود را نیز بیار می‌آورد. این مشکل در کشوری روی می‌دهد که بر دریایی از نفت و صنایع نفتی نسبتاً پیشرفته قرار دارد. در کمبود نفت هیچ دلیلی جز بی‌کفایتی کامل سران رژیم و بی‌مسئولیتی غیر قابل بخشش آنان در رفع بدیهی‌ترین نیاز مندیهای مردم وجود ندارد.



## یادداشت اقتصادی اجتماعی

### وضع تغذیه در کشور

قیمت ثابت ۱۳۶۱ نشان میدهد که هزینه واقعی یک خانوار شهری از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۸ حدود ۱۹۹۳۳ ریال کاهش داشته و در تغذیه میزان تغذیه موثر بوده است. در حالی که به قیمت جاری، میزان کل هزینه‌ها در این مدت دو برابر افزایش نشان میدهد. محاسبه کارشناسان اقتصادی نشان میدهد که اگر اعضای هر خانوار بطور متوسط ۵ نفری خواهند بود فزای معمولی بخورند هزینه خوراکشان روزانه دست کم ۷۰۰ تومان خواهد شد و ماهیانه ۲۱ هزار تومان. اگر ۸۱ هزار تومان فرض کنیم و نصف آنرا برای سبب مواد غذایی منظور کنیم بهر نفر خانواده ۵ نفری ماهانه ۸۰۰ تومان و روزانه ۲۷ تومان هزینه غذایی تعلق خواهد گرفت. یعنی یک پنجم هزینه لازم برای خوردن یک غذای معمولی. مسئله تغذیه در بین اقشار کم درآمد جامعه از حدت بیشتری برخوردار است. طبق مطالعات انجام گرفته حدود ۱۰ درصد از اقشار فقیر کشور (۵ میلیون نفر) در سال ۱۳۶۶ بطور متوسط مصرف سرانه در حدود ۵۰ ریال داشته‌اند. در حالی که در همان سال هر خانوار پنج نفری برای تامین حداقل نیازهای غذایی باید دست کم ۵۰۰ ریال هزینه می‌کرده است. در میان اقلام مختلف مواد خوراکی، فلات بالاترین رقم را در هزینه‌های خوراکی کم درآمدترین اقشار جامعه بخود اختصاص داده است. در حالیکه بالاترین رقم هزینه‌های غذایی در پر درآمدترین اقشار جامعه متعلق به گوشت است. خانواده‌های صاحب بالاترین هزینه‌ها، بطور متوسط طی سال ۶۷ مبلقی حدود ۷۴ هزار تومان صرف خرید انواع گوشت کرده‌اند. در حالیکه رقم اختصاص داده شده به گوشت در میان صاحبان درآمدهای سالانه بین ۱۲ تا ۲۴ هزار تومان بطور متوسط ۴۸۰ تومان بوده است. یعنی طی یکسال تنها ۴۸۰ تومان صرف خرید گوشت کرده است. در مورد مصرف شیر و فرآورده‌های آن نیز وضع بر همین منوال است. رقمی که کم هزینه‌ها طی یکسال برای مصرف شیر و فرآورده‌های آن پرداخته‌اند (در پائین‌ترین گروه درآمدی) از ۱۷۳۰ تومان تجاوز نکرده است. در حالیکه خانواده‌های پر هزینه طی یکسال نزدیک به ۱۱ هزار و هشتصد تومان شیر و فرآورده‌های لبنی مصرف کرده‌اند. این وضع در مورد سبزیجات، میوه و شیرینی نیز صادق است.

کاهش میزان مصرف کالری و سوء تغذیه تأثیرات منفی بر وضع سلامتی مردم گذاشته و موجب افزایش بیماریها میشود. دکتر عطالله متین کارشناس ارشد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این مورد می‌گوید: "کاستن از مصرف مردم به هیچ وجه صحیح نیست چرا که با کاهش مصرف و تامین نشدن نیاز افراد، بیماریها افزایش می‌یابد. برای مثال یکی از تأثیرات سوء تغذیه کم خونی است که میتواند بصورت خستگی،

تغذیه در کشور مابیک مسئله جدی تبدیل شده است. بر اثر کاهش تولیدات و تشدید فقر در دوره جمهوری اسلامی از یکسو و از سوی دیگر باخطر رشد شتابان جمعیت کشور، میزان مصرف کالری روزانه مردم کاهش یافته است. بگونه‌ای که امروز کشور ما از نظر تامین غذای مردم در بین ۱۳۰ کشور در ردیف ۸۹ قرار گرفته است.

طبق آمار منتشره توسط مرکز آمار ایران، میزان کالری مصرفی روزانه در ایران در سال ۱۳۵۱ در مناطق شهری رقم ۲۷۵۸ و در مناطق روستایی رقم ۲۸۸۸ بوده است. این ارقام در سال ۱۳۶۱ به ترتیب ۲۶۳۱ و ۳۰۶۷ و در سال ۱۳۶۷، ۲۴۳۶ و ۲۵۹۶ بوده است. یعنی میزان کالری مصرفی روزانه در دوره حکومت جمهوری اسلامی نه تنها افزایش نیافته بلکه مرتباً در حال کاهش بوده است.

کالری مصرفی روزانه در ایران سال ۱۳۵۱ ۱۳۶۱ ۱۳۶۷ شهری ۲۷۵۸ ۲۶۳۱ ۲۴۳۶ روستایی ۲۸۸۸ ۲۵۹۶ ۲۴۳۶

رشد شتابان جمعیت کشور به مسئله ابعاد گسترده‌ای بخشیده است. پیش‌بینی میشود که در سال ۱۳۷۷ جمعیت کشور به ۷۵ میلیون نفر برسد. طبق محاسباتی که انجام گرفته است برای هر نفری که به جمعیت کشور افزوده میشود، در سطح تکنولوژی فعلی در کشاورزی کشور باید چهار صد هکتار زمین زیر کشت برود، با توجه به اینکه سالانه حدود ۲ میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه میشود، باید هر سال ۸۰۰ هزار هکتار زمین زیر کشت برود. مجموع زمین‌های زیر کشت کشور در حال حاضر ۱۲ میلیون هکتار است که برای تغذیه حدود ۳۰ میلیون نفر تکاوی میکند. یعنی برای حدود ۲۸/۵ میلیون نفر بقیه جمعیت کشور باید مواد غذایی از خارج وارد کرد. این رقم در سال ۱۳۷۷ به ۴۵ میلیون نفر خواهد رسید.

این کمبود از طریق میزان رشد تولیدات کشاورزی قابل جبران نیست زیرا مقدار آن چنان ناچیز است که به هیچ وجه قادر به تامین نیازهای غذایی جمعیت کشور نیست. در برنامه پنجساله رشد ۴/۲ درصد برای سال ۱۳۶۸ پیش‌بینی شده بود ولی این میزان تنها به رقم ۵/۸ رسید. یعنی بیست درصد میزان پیش‌بینی شده تأمین گردید.

رژیم جمهوری اسلامی بخشی از کمبود مواد غذایی را از طریق واردات تامین میکند. ولی تامین تمام این کمبودها با واردات امکان پذیر نیست. بعلاوه دولت رفسنجانی از میزان پیش‌بینی شده در برنامه اول یعنی ۲۰۰۹ میلیون دلار اختصاص برای واردات گندم، برنج، روغن، گوشت، شکر، چای و پنیر برای سال آینده ۳۴۷/۷ میلیون دلار کاسته است.

بالارفتن قیمت کالاها و افزایش هزینه‌های زندگی موجب شده است که مصرف مواد غذایی در بین خانواده‌ها کاهش یابد. محاسبه هزینه خانوار بر حسب

کم حوصلگی، اضطراب، کج خلقی، بد رفتاری با دیگران و تشدید اختلافات خانوادگی بروز یابد." (روزنامه سلام ۱۷ دیماه ۱۳۷۰).

عوارض سوء تغذیه در بین کودکان شدیدتر است. سالانه حدود ۸۱ هزار کودک در کشور ما در اثر سوء تغذیه و بیماریهای ناشی از آن می‌میرند. اطلاعات جمع‌آوری شده از ۱۲ استان نشان میدهد بطور متوسط ۱۶ درصد از کودکان از حداقل رشد طبیعی برخوردار نیستند که نشانگر سوء تغذیه در این استان‌ها است. در استانهای بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان بطور متوسط ۲۵ درصد از کودکان زیر ۶ سال به نوعی سوء تغذیه مبتلا هستند. کارشناس وزارت بهداشت در این زمینه می‌گوید: "الان سوء تغذیه در بین نوزادان و کودکان بالاتر است. با توجه باینکه ۸۰ درصد رشد مغزی تا ۳ سالگی صورت می‌گیرد در صورت تغذیه نامناسب و ناکافی، فرد دچار معلولیت‌های فکری و ذهنی میشود که بعد از دوران طفولیت علاج‌ناپذیر خواهد بود."

سوء تغذیه در بین کودکان اقشار کم درآمد جامعه چشمگیرتر است. بررسی مشخصات خانواده‌های کودکان مبتلا به سوء تغذیه در جنوب تهران نشان میدهد که خانواده‌های حدود ۸۶ درصد از کودکان مبتلا به سوء تغذیه کمتر از ۵ هزار تومان در ماه درآمد دارند.

به گفته کارشناس مزبور یک فرد "از زمان تولد تا ۴ سالگی به ۳ گرم، از ۴ تا ۱۲ سالگی ۲ گرم و بعد از بلوغ تا ۶ سالگی به یک گرم و از ۶ سالگی به بعد به ۲ گرم پروتئین در روز بر اساس هر یک کیلو از وزن خود نیاز دارد. از طرف دیگر گوشت گاو ۱۷ گرم، گوسفند ۱۹ گرم، مرغ ۲۱ گرم و نان ۷ گرم در کیلو پروتئین دارند (البته بدون استخوان و چربی). حال اگر یک خانواده ۵ نفری، حداقل ۱۵۰ کیلو وزن داشته باشند، به ۱۵۰ گرم پروتئین در روز نیاز دارند که برای این منظور باید مثلاً ۱۰ کیلو گوشت گاو مصرف کنند که این برای همه خانواده‌ها ممکن نیست. لذا میتوان نتیجه گرفت که "هر که پولش بیشتر، پروتئینش بیشتر" (همان منبع).

برای اقشار وسیعی از جامعه بخاطر افزایش قیمت‌ها و کمبود درآمدها، امکان تامین مواد غذایی مورد نیاز فراهم نیست. صحبت‌های مردم گویای این مسئله است. یک سیم فروش به خبرنگار روزنامه سلام می‌گوید: "سابقاً هفته‌ای یکبار مصرف گوشت داشتیم ولی الان با این گرانی گوشت شاید ماهی یکبار، یک خانم خانه‌دار می‌گوید: "با گرانی گوشت، مرغ، تخم مرغ، برنج و سایر لوازم زندگی، تنها شرمندگی نصیب والدین میشود. بچه‌های ما شاید هیچ وقت غذای کافی نمی‌خورند، در حالیکه بعضی خانواده‌ها هر شب مقدار قابل توجهی غذای مانده را همراه با آشغال بیرون می‌ریزند." (سلام ۱۷ دیماه ۱۳۷۰).









# خبرها و نظرها

## سازمان فدایی: درباره وحدت

به این عرصه اولویت قائل می‌شود.

۲- مبانی وحدت و موضوعات اساسی مورد اختلاف: مواضع کنونی این سه جریان نشان می‌دهد که امکان توافق حول یک مبانی مشترک برای وحدت وجود دارد. این مبانی میبایست توسط جمعی از نمایندگان رهبری سه جریان تنظیم شده و منتشر شود. در همین حال پیرامون استراتژی سیاسی و مبانی تشکیلاتی ضمن وجود نکات اشتراک، تفاوتها و ابهاماتی در رابطه با مواضع رفقای راه کارگر در مورد جبهه، حکومت جایگزین و مورد نظر کمونیستها و دمکراسی درون سازمانی وجود دارد که میبایست تلاش شود در اساسی‌ترین وجه آن توافق حاصل شود چرا که بدون توافق حول این موضوعات بویژه در عرصه دمکراسی درون سازمانی، وحدت آتی از استحکام لازم برخوردار نخواهد بود. ولی از آنجا که تصمیم گیری پیرامون وحدت نه به عهده کمیته مرکزی بلکه وظیفه کل تشکیلات است، ضروری است نتیجه تلاشها و مباحث سه جریان توسط کل

کمیته مرکزی سازمان فدایی - ایران در آبانماه قطعنامهای در باره وحدت با سازمان کارگران انقلابی ایران و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (شورایعالی) انتشار داد. در این قطعنامه آمده است:

۱- ضرورت وحدت: کمیته مرکزی سازمان فدایی ضمن استقبال از مصوبه کنگره رفقای راه کارگر پیرامون وحدت جنبش کمونیستی ایران، معتقد است که نظر به اشتراکات ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی سه سازمان و محافل و عناصری که در این چارچوب قرار دارند و با توجه به ضرورت مبارزه متشکل کمونیستها برای سرنگونی جمهوری اسلامی و دفاع از منافع مردم ایران و همچنین پاسنگویی به معضلات جنبش کمونیستی، وحدت کمونیستهای ایران امری ضروری است. در همین رابطه و بمنظور پاسنگویی به این ضرورت وحدت با سازمان "راه کارگر" و "شورایعالی" را بعنوان موضوعی مشخص در دستور خود قرار داده و برای وظایف مربوط

## سلطنت طلبان افراطی و غیر شاه‌الهی‌ها

کتابخانه سلطانی بعنوان سخنگوی کسانی که بجز سلطنت طلبان دو آتشه، سایر جریانهای سیاسی را خائن و فریبکار و... میدانند و بگونه‌ای موهن همه نیروها و شخصیت‌های چپ و آزادیخواه و حتی بخشی از سلطنت طلبان را که به مشی همکاری و نزدیکی با غیر سلطنت طلبان اعتقاد دارند مورد حمله قرار میدهد، او که از حرکت ولو نطفه‌ای در میان نیروهای غیر شاه‌الهی به شدت در هراس است، چندی پیش یکی از جلسات مباحثه و نیروهای شرکت کننده در آن را شدیداً بیاد حمله گرفت. در مقاله "او بایتیر" به آنان که نمیخواهند همچنان ساده لوح انگاشته شوند، آمده است:

اکنون، مدتی است به نظر می‌رسد که فریبکاری در اپوزیسیون خارج از کشور نیز سکه رایج شده است. درست در هنگامی که با شکست و اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی، و انقراض وابستگی‌های همه سویه احزاب کمونیست در بسیاری از کشورهای جهان، و از جمله حزب "توده" در ایران، این گونه احزاب پوشالی و "خارجی" آخرین سنگرهای اعتبار و مشروعیت خود را از دست می‌دهند، شاهدیم که در صفوف اپوزیسیون، نه تنها حزب توده همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد، بلکه در جلسات و

گردهمایی‌های کسانی که مدهی‌اند می‌خواهند از راه مبارزه با جمهوری اسلامی، دموکراسی و آزادی را به ملت ایران بازگردانند، شرکت می‌کند و امضای خود را پای متن‌های مشترک مصوب می‌گذارد. از سوی دیگر، حزب دموکرات کردستان، که همچنان با افتخار خود را دنباله‌رو "قاضی محمد" و وارث "جمهوری خلق مهاباد" مخلوق شوروی - سدر سال‌های اشغال ایران - می‌داند، و شعار شوونیستی "دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان" را رها نمی‌کند، در کنار حزب توده به گروه‌هایی که خود را "ملی" می‌دانند و می‌خوانند می‌پیوندد تا برای ادامه مبارزه با جمهوری اسلامی، نسخه‌های شگفت انگیز جدید بنویسند و کار را به جایی برسانند که فراندی جدید در مورد قانون اساسی جمهوری اسلامی را در برنامه کار خود بگنجانند. ما را چه شده است که این سازمان‌ها و گروه‌ها، بی آنکه از واکنش جامعه ایرانی خارج از کشور اندیشه کنند، امر خطیر مبارزه با رژیم بازمانده از خمینی را به این جاهای حقیر می‌کشانند و باز خود را منادیان "آزادی" و "دموکراسی" می‌خوانند. پاسخ را باید در از دست رفتن حساسیت‌ها در صفوف اپوزیسیون و کناره‌گیری

## راه کارگر: حذف چند "اصطلاح" از برنامه

نشریه راه کارگر در مقاله‌ای به قلم ی. مهران دلایل حذف برخی اصطلاحات را در برنامه این سازمان توضیح داده است. در این مقاله آمده است:

در برنامه ماکه اخیر ادر کنگره اول سازمان تصویب شد، اصطلاحات "مارکسیسم - لنینیسم" یا "مارکسیسم"، "دیکتاتوری پرولتاریا" و "جمهوری دمکراتیک خلق" بکار گرفته نشده‌اند، اصطلاحاتی که در ادبیات غالب جریانه‌های چپ انقلابی تاکنون جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و نشانه و ناداری به راه و روش کمونیستی تلقی می‌شده‌اند. ما قصد نداریم مارکسیسم را کنار بگذاریم، بلکه می‌خواهیم با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک و شریعت مآبانه "سوسیالیسم موجود" تسویه حساب کنیم. حقیقت این است که ما با این فرهنگ و سنت غیر دمکراتیک خویشاوندی‌هایی داریم، نه فقط به این دلیل که از "سوسیالیسم موجود" طرفداری می‌کرده‌ایم بلکه همچنین گاهی به این دلیل که از آن انتقاد می‌کرده‌ایم (همانطور که در جایی دیگر گفته‌ام، بنظر من بعضی از منتقدین "سوسیالیسم موجود" دقیقاً به شهادت همان انتقادهایی که از آن می‌کرده‌اند، غیر دمکراتیک‌تر و پرت‌تر از سازمان دهندگان "سوسیالیسم موجود" می‌اندیشیدند و علیه هم انتقاداتشان، خویشاوندی همیتی با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک آن داشتند) بنابر این با حس مسئولیتی که لازمه و شایسته مبارزان جدی آرمانی سترگ است، باید بر این خویشاوندی دقیق شویم و عناصر غیر دمکراتیک را در نظام فکری خودمان بازشناسیم. حذف اصطلاحات مورد بحث از برنامه سازمان، برای مادر متن این تلاش و تامل معنی دارد.

نشریه راه کارگر در مقاله‌ای به قلم ی. مهران دلایل حذف برخی اصطلاحات را در برنامه این سازمان توضیح داده است. در این مقاله آمده است:

در برنامه ماکه اخیر ادر کنگره اول سازمان تصویب شد، اصطلاحات "مارکسیسم - لنینیسم" یا "مارکسیسم"، "دیکتاتوری پرولتاریا" و "جمهوری دمکراتیک خلق" بکار گرفته نشده‌اند، اصطلاحاتی که در ادبیات غالب جریانه‌های چپ انقلابی تاکنون جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و نشانه و ناداری به راه و روش کمونیستی تلقی می‌شده‌اند. ما قصد نداریم مارکسیسم را کنار بگذاریم، بلکه می‌خواهیم با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک و شریعت مآبانه "سوسیالیسم موجود" تسویه حساب کنیم. حقیقت این است که ما با این فرهنگ و سنت غیر دمکراتیک خویشاوندی‌هایی داریم، نه فقط به این دلیل که از "سوسیالیسم موجود" طرفداری می‌کرده‌ایم بلکه همچنین گاهی به این دلیل که از آن انتقاد می‌کرده‌ایم (همانطور که در جایی دیگر گفته‌ام، بنظر من بعضی از منتقدین "سوسیالیسم موجود" دقیقاً به شهادت همان انتقادهایی که از آن می‌کرده‌اند، غیر دمکراتیک‌تر و پرت‌تر از سازمان دهندگان "سوسیالیسم موجود" می‌اندیشیدند و علیه هم انتقاداتشان، خویشاوندی همیتی با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک آن داشتند) بنابر این با حس مسئولیتی که لازمه و شایسته مبارزان جدی آرمانی سترگ است، باید بر این خویشاوندی دقیق شویم و عناصر غیر دمکراتیک را در نظام فکری خودمان بازشناسیم. حذف اصطلاحات مورد بحث از برنامه سازمان، برای مادر متن این تلاش و تامل معنی دارد.

نشریه راه کارگر در مقاله‌ای به قلم ی. مهران دلایل حذف برخی اصطلاحات را در برنامه این سازمان توضیح داده است. در این مقاله آمده است:

در برنامه ماکه اخیر ادر کنگره اول سازمان تصویب شد، اصطلاحات "مارکسیسم - لنینیسم" یا "مارکسیسم"، "دیکتاتوری پرولتاریا" و "جمهوری دمکراتیک خلق" بکار گرفته نشده‌اند، اصطلاحاتی که در ادبیات غالب جریانه‌های چپ انقلابی تاکنون جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و نشانه و ناداری به راه و روش کمونیستی تلقی می‌شده‌اند. ما قصد نداریم مارکسیسم را کنار بگذاریم، بلکه می‌خواهیم با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک و شریعت مآبانه "سوسیالیسم موجود" تسویه حساب کنیم. حقیقت این است که ما با این فرهنگ و سنت غیر دمکراتیک خویشاوندی‌هایی داریم، نه فقط به این دلیل که از "سوسیالیسم موجود" طرفداری می‌کرده‌ایم بلکه همچنین گاهی به این دلیل که از آن انتقاد می‌کرده‌ایم (همانطور که در جایی دیگر گفته‌ام، بنظر من بعضی از منتقدین "سوسیالیسم موجود" دقیقاً به شهادت همان انتقادهایی که از آن می‌کرده‌اند، غیر دمکراتیک‌تر و پرت‌تر از سازمان دهندگان "سوسیالیسم موجود" می‌اندیشیدند و علیه هم انتقاداتشان، خویشاوندی همیتی با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک آن داشتند) بنابر این با حس مسئولیتی که لازمه و شایسته مبارزان جدی آرمانی سترگ است، باید بر این خویشاوندی دقیق شویم و عناصر غیر دمکراتیک را در نظام فکری خودمان بازشناسیم. حذف اصطلاحات مورد بحث از برنامه سازمان، برای مادر متن این تلاش و تامل معنی دارد.

## امیر خسروی: کارنامه حزب توده ایران

نشریه راه کارگر در مقاله‌ای به قلم ی. مهران دلایل حذف برخی اصطلاحات را در برنامه این سازمان توضیح داده است. در این مقاله آمده است:

در برنامه ماکه اخیر ادر کنگره اول سازمان تصویب شد، اصطلاحات "مارکسیسم - لنینیسم" یا "مارکسیسم"، "دیکتاتوری پرولتاریا" و "جمهوری دمکراتیک خلق" بکار گرفته نشده‌اند، اصطلاحاتی که در ادبیات غالب جریانه‌های چپ انقلابی تاکنون جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و نشانه و ناداری به راه و روش کمونیستی تلقی می‌شده‌اند. ما قصد نداریم مارکسیسم را کنار بگذاریم، بلکه می‌خواهیم با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک و شریعت مآبانه "سوسیالیسم موجود" تسویه حساب کنیم. حقیقت این است که ما با این فرهنگ و سنت غیر دمکراتیک خویشاوندی‌هایی داریم، نه فقط به این دلیل که از "سوسیالیسم موجود" طرفداری می‌کرده‌ایم بلکه همچنین گاهی به این دلیل که از آن انتقاد می‌کرده‌ایم (همانطور که در جایی دیگر گفته‌ام، بنظر من بعضی از منتقدین "سوسیالیسم موجود" دقیقاً به شهادت همان انتقادهایی که از آن می‌کرده‌اند، غیر دمکراتیک‌تر و پرت‌تر از سازمان دهندگان "سوسیالیسم موجود" می‌اندیشیدند و علیه هم انتقاداتشان، خویشاوندی همیتی با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک آن داشتند) بنابر این با حس مسئولیتی که لازمه و شایسته مبارزان جدی آرمانی سترگ است، باید بر این خویشاوندی دقیق شویم و عناصر غیر دمکراتیک را در نظام فکری خودمان بازشناسیم. حذف اصطلاحات مورد بحث از برنامه سازمان، برای مادر متن این تلاش و تامل معنی دارد.

نشریه راه کارگر در مقاله‌ای به قلم ی. مهران دلایل حذف برخی اصطلاحات را در برنامه این سازمان توضیح داده است. در این مقاله آمده است:

در برنامه ماکه اخیر ادر کنگره اول سازمان تصویب شد، اصطلاحات "مارکسیسم - لنینیسم" یا "مارکسیسم"، "دیکتاتوری پرولتاریا" و "جمهوری دمکراتیک خلق" بکار گرفته نشده‌اند، اصطلاحاتی که در ادبیات غالب جریانه‌های چپ انقلابی تاکنون جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و نشانه و ناداری به راه و روش کمونیستی تلقی می‌شده‌اند. ما قصد نداریم مارکسیسم را کنار بگذاریم، بلکه می‌خواهیم با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک و شریعت مآبانه "سوسیالیسم موجود" تسویه حساب کنیم. حقیقت این است که ما با این فرهنگ و سنت غیر دمکراتیک خویشاوندی‌هایی داریم، نه فقط به این دلیل که از "سوسیالیسم موجود" طرفداری می‌کرده‌ایم بلکه همچنین گاهی به این دلیل که از آن انتقاد می‌کرده‌ایم (همانطور که در جایی دیگر گفته‌ام، بنظر من بعضی از منتقدین "سوسیالیسم موجود" دقیقاً به شهادت همان انتقادهایی که از آن می‌کرده‌اند، غیر دمکراتیک‌تر و پرت‌تر از سازمان دهندگان "سوسیالیسم موجود" می‌اندیشیدند و علیه هم انتقاداتشان، خویشاوندی همیتی با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک آن داشتند) بنابر این با حس مسئولیتی که لازمه و شایسته مبارزان جدی آرمانی سترگ است، باید بر این خویشاوندی دقیق شویم و عناصر غیر دمکراتیک را در نظام فکری خودمان بازشناسیم. حذف اصطلاحات مورد بحث از برنامه سازمان، برای مادر متن این تلاش و تامل معنی دارد.

نشریه راه کارگر در مقاله‌ای به قلم ی. مهران دلایل حذف برخی اصطلاحات را در برنامه این سازمان توضیح داده است. در این مقاله آمده است:

در برنامه ماکه اخیر ادر کنگره اول سازمان تصویب شد، اصطلاحات "مارکسیسم - لنینیسم" یا "مارکسیسم"، "دیکتاتوری پرولتاریا" و "جمهوری دمکراتیک خلق" بکار گرفته نشده‌اند، اصطلاحاتی که در ادبیات غالب جریانه‌های چپ انقلابی تاکنون جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و نشانه و ناداری به راه و روش کمونیستی تلقی می‌شده‌اند. ما قصد نداریم مارکسیسم را کنار بگذاریم، بلکه می‌خواهیم با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک و شریعت مآبانه "سوسیالیسم موجود" تسویه حساب کنیم. حقیقت این است که ما با این فرهنگ و سنت غیر دمکراتیک خویشاوندی‌هایی داریم، نه فقط به این دلیل که از "سوسیالیسم موجود" طرفداری می‌کرده‌ایم بلکه همچنین گاهی به این دلیل که از آن انتقاد می‌کرده‌ایم (همانطور که در جایی دیگر گفته‌ام، بنظر من بعضی از منتقدین "سوسیالیسم موجود" دقیقاً به شهادت همان انتقادهایی که از آن می‌کرده‌اند، غیر دمکراتیک‌تر و پرت‌تر از سازمان دهندگان "سوسیالیسم موجود" می‌اندیشیدند و علیه هم انتقاداتشان، خویشاوندی همیتی با سنت و فرهنگ غیر دمکراتیک آن داشتند) بنابر این با حس مسئولیتی که لازمه و شایسته مبارزان جدی آرمانی سترگ است، باید بر این خویشاوندی دقیق شویم و عناصر غیر دمکراتیک را در نظام فکری خودمان بازشناسیم. حذف اصطلاحات مورد بحث از برنامه سازمان، برای مادر متن این تلاش و تامل معنی دارد.

## مصاحبه با دو نفر از اعضای شورای مرکزی سازمان

بته از صفحه ۷

تشکل واحد نیروهای چپ دموکرات - مدافعان آزادی و عدالت اجتماعی و پیشرفت و تجدید - در شکل و مفهوم جنبشی و جبهه‌ای آن، عملی و منطقی تر به نظر می‌رسد. جنبش و حرکتی عمومی و واحد که اجزا آن با مکانیزم‌هایی، تلاش‌های خود و مجموعه راه‌سازمان داده هماهنگ می‌کنند. اجزای این جنبش می‌توانند زوایای نگرش و مشی سیاسی و مناسبات سازمانی ویژه خود - که طبعاً نمی‌تواند کاملاً مقایسه حرکت عمومی باشد - را دارا باشند. این شکل تشکلی یابی و ناروشنی‌های بسیار در مورد آن وجود دارد. بطور کلی بحث پیرامون اشکال سازمانیابی و کنکاش و تحقق پیرامون آن ضرور بنظر می‌رسد.

قابل ذکر است که در جمع تدوین کنندگان طرح پیشنهادی برای نزدیکی و اتحاد نیروهای چپ نقطه نظرات و استدلالات دیگری نیز پیرامون شکل سازمانیابی و اتحاد نیروهای چپ دموکراتیک وجود دارد. پیشتر اشکال مختلف گفتگو و تبادل نظر در این زمینه به حصول توافق حول آن یاری خواهد رساند.

**پرسش:** شما از تلاش برای شکل‌گیری یک جنبش فراگیر چپ دموکراتیک سخن گفتید. از نظر شما مشکلات و موانعی که رویاروی پیشرفت روند نزدیکی و شکل‌گیری جنبش وجود دارد چیست؟ چه اقداماتی را برای افزایش موفقیت ابتکار اخیر ضروری می‌دانید؟

**رفیق عبدالرحیم پور:** فکر می‌کنم این موضوع کاملاً آشکار است که جنبش چپ ایران با قدمت نزدیک به صد سال نیز مثل دیگر جریان‌های سیاسی جامعه ما، در حال تغییر، دگرگونی و نو شدن است. این پروسه هنوز در حال شدن است. به زبان دیگر مانده در پایان پروسه که در آغاز شکل‌گیری یک جنبش سیاسی نوین چپ دموکراتیک هستیم. بسیاری از تئوری‌ها، اندیشه‌ها، مفاهیم و روش‌های سیاسی مبارزاتی و نیز برنامه‌هایی که تا امروز مبنای کار و فعالیت نیروهای چپ هستند، در هم ریخته و دیگر نمی‌تواند و نباید مبنای کار سیاسی- فرهنگی قرار گیرد. از سوی دیگر هنوز دیدگاه و اندیشه و روش‌های جدیدی که کاملاً روشن شده باشند، جایگزین آنها نشده است. این وضعیت طبیعتاً ضمن اینکه زمینه ساز رهایی نیروهای چپ ایران از یک سیستم ایدئولوژیک و فکری بسته است، حاوی مشکلات خاص خود نیز می‌باشد. نیروهایی که خود را مدافع آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی میدانند و مورد توجه قرار دارند باید بتوانند در یک پروسه بحث و تبادل نظر در برابر مسایل جامعه ایران پاسخ‌های نظری، برنامه‌ای و سیاسی در خور و منطبق با شرایط جدید جامعه و جهان معاصر داشته باشند. صرفاً با اعلام اینکه چپ دموکرات برای آزادی، دموکراسی، پیشرفت، رفاه اجتماعی و همومی، عدالت اجتماعی مبارزه می‌کند و دارای آرمان‌های سوسیالیستی است، برای تبدیل شدن به یک جنبش سیاسی- فرهنگی نوین در جامعه ما کافی نیست. نیروهای چپ دموکرات ضمن اعلام پذیرش این ارزش‌های عمومی و ضمن تبلیغ و ترویج آن، باید سعی کنند پاسخ‌های نسبتاً روشنی نسبت به مسایل خاص که در جامعه و جهان معاصر ما جریان دارد پیدا کنند. باید بتوانند سمت برنامه‌ای روشنی داشته باشند. خوب این مشکل به تنهایی آتقدر بزرگ است که برای حل آن باید همه تلاش و توان جنبش چپ ایران و نیز تجربه و خرد دیگر نیروهای ترقی خواه مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

یکی دیگر از مشکلات موجود، ناروشنی راه و اشکال سازماندهی است. آنچه که از دهه ۳۰ تاکنون در جنبش چپ ایران رایج و مرسوم بود، تشکیل حزب یا سازمان واحد طبقه کارگر با ساختار و اساسنامه آئین بود. اینگونه تشکلهای نه تنها موجب گسترش و شکوفایی جنبش چپ ایران نشد بلکه موجب هز رفتن نیرو، انسردگی، پلاسیدگی و انشقاق می‌شد. امروز دیگر نمی‌توان و نباید این گونه تشکلیابی را راهنمای عمل خود قرار دهیم. باید اشکالی را پیدا کنیم و بکار گیریم که ضمن تامین

بیشترین هماهنگی و همسویی برنامه‌های سیاسی میان بخش‌های مختلف چپ دموکراتیک، راه رشد و خلاصیت و شکوفایی مستقلانه نسله‌های گوناگون فرهنگی و سیاسی این جنبش را هموار سازد. راجع به این موضوع نظرات گوناگونی وجود دارد و ما باید سعی کنیم بعد از بحث و تبادل نظر گسترده در سطح جنبش، به یک جمع‌بندی نسبتاً پایدار و درستی برسیم. علاوه بر این‌ها، پراکنده بودن نیروها در داخل و خارج کشور، ضعف و فقدان ارتباط میان بخش‌های مختلف آن، فقدان ارتباط موثر با مردم ایران و مبارزات روزمره آنها در داخل کشور و نیز خارج کشور، از جمله مسایلی هستند که باید راهی برای بر طرف کردن آن پیدا کنیم. از نظر ما، درست‌کردن یک تشکل سیاسی در خارج کشور بی‌آنکه ارتباط فکری، فرهنگی و سیاسی لازم را با نیروهای داخل کشور داشته باشد، بی‌آنکه در روندها و تحولات سیاسی- فرهنگی جاری کشور شرکت موثر داشته باشد، نمی‌تواند مضمون مقصود باشد.

باید سعی کنیم با استفاده از امکانات موجود، رابطه فکری و سیاسی گسترده‌ای در اشکال گوناگون و مقتضی میان بخش‌های مختلف این جنبش بوجود بیاوریم.

اقدام برای سازماندهی مباحث از طریق انتشار نشریه، برگزاری کنفرانس‌ها، سمینارها، میزگردها در خارج کشور، اقدام به انعکاس نظرات و مباحث در داخل و خارج در اشکال منعطف و مقتضی از جمله اقداماتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

علاوه بر آن ما باید سعی کنیم اشکال جدید و مناسبی را برای همکاری سیاسی- فرهنگی میان این نیروها پیدا کنیم. بنظر می‌رسد ارائه یک نشریه سیاسی خبری با سیمای آزادیخواهانه، تجدید گرا و عدالت جو، توسط مدافعین این جنبش اقدام موثری در خدمت شکل‌یابی جنبش چپ دموکراتیک باشد. چنانچه این نشریه در شرایط کنونی، ارگان هیچ حزب و سازمان نباشد و در کنترل تشکلیاتی آن‌ها قرار نگیرد می‌تواند نیروهای وسیعی را حول خود گرد آورد.

**در آخرین نشست تدوین کنندگان "طرح پیشنهادی برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات ایران" تصمیم به انتشار یک نشریه نظری گرفته شد. لطفاً در این باره توضیح دهید.**

**رفیق احمدی:** تصمیم به انتشار یک نشریه نظری در پاسخ به نیازها و ضروریات معینی اتخاذ شد. در وهله اول ما باین ضرورت مواجه بودیم که جمع هر چه وسیع‌تری از افراد و صاحبزنان چه در درون سازمان‌های سیاسی و چه منفرد می‌بایست در روند حرکت برای نزدیکی و اتحاد نیروهای چپ مشارکت عملی و موثر داشته و خود را با تصمیمات و نتایج یگانه احساس کنند.

هموم شرکت کنندگان در جلسات تدوین طرح منتشر شده بر این باور بودند که تنها انتشار سندی نمایی و با تعداد معینی امضا بر پای آن، انتظار گسترش و جلب حمایت وسیع‌تر را برآورده نخواهد کرد. ادامه بدون حد بحث‌ها در اتاق‌های در بسته برای در جریان قرار دادن جمع وسیع‌تری نیز کم نتیجه می‌نمود. بنابر این تصمیم گرفته شد طرح پیشنهادی که به تمرکز و مشخص بودن بحث‌ها کمک خواهد کرد، منتشر شود. و برای ایجاد تریبونی که به اظهار نظر در مورد مسائل و موانع راه ایجاد جنبش واحد چپ می‌پردازد، یک نشریه نظری انتشار یابد. همکاری و تصمیم مباحث در هر صحنه‌های مختلف نیاز جنبش چپ و پیشبرد آن در حرکت به سمت تشکیل و استحکام جنبش واحد چپ دارای تأثیر جدی است. بنابر این انعکاس نظرات در باره مباحث طرح پیشنهادی نیز جزو وظایف این نشریه در نظر گرفته شد.

نشریه مزبور با صاحبزنان جنبش به مصاحبه می‌نشیند، به درج مقالات آنها در زمینه‌های فوق می‌پردازد و مباحث سمینارها و کنفرانس‌هایی که با هدف شکل‌گیری جنبش واحد چپ تشکیل می‌شود را در صفحات خود بازتاب می‌دهد. این نشریه مرحله تدارک راطلی می‌کند.

ایجاد تشکل سیاسی واحد "اشتباهای نام محمد آل ابراهیم نیز در اختیار ما قرار گرفت و درج شده بدینوسیله تصحیح می‌شود.

## تشکیل جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دموکراسی در ایران - بلژیک

اخیراً نیروهای فعال سیاسی در بلژیک به منظور تقویت نیروهای مدافع نظام جمهوری و برای تسریع روند تشکیل جبهه جمهوری، تشکلی را با عنوان "جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دموکراسی در ایران - بلژیک" بوجود آورده‌اند. این جمعیت منشور و اساسنامه‌اش را منتشر کرده است. در منشور این جمعیت آمده است که "جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دموکراسی در ایران" جمعی است متنوع و گسترده که در آن گروهی از ایرانیان مقیم بلژیک، با اندیشه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون گرد آمده‌اند تا بر اساس اصول مشترک فکری، ذیل فعالیت نمایند.

- آزادی، در گسترده و ابعاد وسیع آن و بر پایه کلیه آزادی‌های قید شده در منشور جهانی حقوق بشر.

دموکراسی، به معنای آزادی بی

قید و شرط فعالیت کلیه احزاب و نیروهای سیاسی و تشکلهای صنفی.

جمهورية، به‌مثابه مناسب‌ترین نوع نظام مردم سالاری که متکی بر آرای آزاد و مستقیم مردم، جدا از دین و ایدئولوژی و بر پایه نهادهای دموکراتیک استقرار یابد.

استقلال، به معنای ارجح شمردن منافع ملی در ارتباطهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با جهان خارج؛ نه به معنای عدم ارتباط با سایر کشورها.

رشد و ترقی اقتصادی و اجتماعی همراه با تامین عدالت

این جمعیت در جهت تحقق اهداف خود اقدام به برگزاری میزگرد با شرکت نمایندگان سازمانهای سیاسی و افراد صاحب نظر کرده است. اولین میزگرد با شرکت نمایندگان "جبهه ملی ایران در اروپا"، "سازمان

جمهوریخواهان ملی ایران"، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و آقای مهدی خانباغا تهرانی در روز شنبه ۸ فوریه در شهر بروکسل برگزار گردید. موضوع میزگرد "لزوم ایجاد جبهه جمهوریخواهان ایران" بود.

تشکیل این جمعیت و برگزاری میزگردها گام مثبت در راه تشکیل جبهه جمهوریخواهان است و میتواند به تسریع روند شکل‌گیری جبهه کمک کند. این نوع تشکلهای در همین حال میتواند پایه‌ای برای مذاکراتی که در سطح مسئولین برخی از سازمانهای سیاسی چپ و ملی برای تشکیل جبهه جمهوریخواهان در جریان است، باشد. در همین حال تجربه جدیدی در رابطه با این مسئله است و میتواند مورد توجه فعالین سیاسی ایرانی سایر کشورها قرار گیرد.

## امیر خسروی: کارنامه حزب توده ایران

بته از صفحه ۱۰

سراسری بوجود آورد. دهقانان را علیه رژیم کار شکنی‌های فراوان مالکان و قدرتمندان محلی برپا کرد. تقریباً تمام اشراف مختلف جامعه را در اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و جمعیت‌های گوناگون متشکل ساخت. سازمان دانشجویان، دانشگاه تهران، سازمان جوانان، سازمان دموکراتیک زنان، اتحادیه‌هایی از کارمندان و فرهنگیان و صنوف مختلف، از نمونه‌های آنند.

از اساسی‌ترین خدمات دیگر حزب توده ایران، طرح و اشاعه فرهنگ مترقی و تجدیدخواهی و فرهنگ آزادیخواهی در جامعه است. در میان نسل بالای پنجاه سال، کمتر شاعر و نویسنده و محقق بزرگی میتوان یافت که روزی عضو حزب توده ایران، یا سازمان جوانان نبوده باشد و یا در یکی از تشکلهای جنبی که به ابتکار حزب توده تشکیل شده بود، شرکت نکرده باشد.

و در بخش دیگری از مصاحبه گفته میشود:

اگر بخواهیم حزب توده را بطور واقعی در نظر بگیریم، ملاحظه خواهد شد که حزب توده ایران، روز اول به‌مثابه یک جریان سیاسی کاملاً مستقل بوجود آمد. اما این روند نتوانست ادامه پیدا کند. دو عامل خیلی مهم بود. از یکطرف دخالت مستقیم خود شوروی در امور داخلی ایران و کشاندن حزب توده به تائید سیاست‌اش. از طرف دیگر نقشی بود که عناصر وابسته به کمینترن در سوق دادن و کشاندن حزب توده بسوی حزبی که گوئی نماینده ایرانی اتحاد شوروی در کشور است، بازی کردند. اینست اساس مساله! سوالی که ذهن همه را مشغول می‌کند اینست که این افراد موفق شدند، اما اسکندری‌ها، نوشین‌ها، امیر خیزی‌ها، خلیل‌ملکی‌ها و کسان دیگری که کم هم نبودند، نتوانستند حزب را در همان مسیر اولیهداشته‌اند؟ ارزیابی من اینست که خود اینها از نظر اعتقادی به شوروی هلاقمند بودند و به وی اعتماد داشتند و صادقانه عشق می‌ورزیدند. درک و لمس

این مساله برای نسل جوان، آنهم بعد از فروپاشی نظام شوروی و بر ملا شدن اینجهمه نساد و تبهکاری، شاید بسیار مشکل باشد. باید شاهد زنده آن روزهای تاریک جهانی بود و نقش شوروی را در جریان جنگ ضد فاشیستی، شبانه روز دنبال کرد تا متوجه شد که چرا کمونیست‌های جهان و از جمله بسیاری از ایرانیان میهن دوست و مترقی، شوروی را صادقانه دژ آزادی و صلح و سوسیالیسم، دژ عدالتجویی می‌پنداشتند.

این وضع روحی و احساسات همه ما بود. آنچه می‌گویم اساساً یک پدیده جهانی بود و فقط به حزب توده ایران محدود نمی‌شد. بزرگ‌ترین ملیون ایران نسبت به شوروی اهمیت و احترام داشتند. این حرف از دکتر مصدق است که هر وقت شوروی از صحنه سیاسی ایران غایب است، استقلال ایران به خطر می‌افتد. این حرف بسیار معنی‌دار است و نشان میدهد تا چه حد ملیون ایران، اتحاد شوروی محصول انقلاب اکتبر را عاملی برای استقلال ایران بحساب می‌آوردند. قیبر قانونی کردن حزب و اجبار آن به فعالیت زیرزمینی و تنگ شدن حیطه تماس حزب با مردم، مهاجرت اجباری افراد مهمی از کمیته مرکزی به خارج که به اعدام محکوم شده بودند و کناره‌گیری تدریجی عناصر ملی دموکرات از رهبری حزب، عوامل مهمی بودند که دست بدست هم دادند و به تحول حزب از حالت یک حزب قیبر ایدئولوژیک و مردمی به مواضع یک حزب مارکسیستی-لنینیستی یاری رساندند. البته آمادگی فکری نسل تازه‌ای که در شرایط مخفی و فعالیت زیرزمینی آموزش دیده بودند را نباید از نظر دور داشت. هر قدر حزب در این مسیر پیش‌تر رفت، وابستگی ایدئولوژیک هملاً بیشتر می‌شد. و در دوران مهاجرت اول و بویژه بعد از "وحدت" با فرقه دموکرات آذربایجان (تیر) و مراد (۱۳۳۹)، حزب توده ایران تقریباً استقلال خود را از دست داد.

### تصحیح

در ضمیمه کار شماره ۲۷ در میان نام تدوین کنندگان "طرح پیشنهادی برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات ایران در راستای



# الجزایر: بی ثباتی خطرناک؟

در دور اول انتخابات اخیر الجزایر، جبهه نجات اسلامی با ۱۶۷ کرسی از مجموع ۴۳۰ کرسی مقام اول را کسب کرد. دیگر رقباتی انتخاباتی نظیر حزب حاکم (جبهه آزادی بخش ملی) و جبهه نیروهای سوسیالیستی هر یک به ترتیب ۱۶ و ۲۶ کرسی را بدست آوردند. این انتخابات قبل از هر چیز بیانگر شکست حزب حاکم بود که از زمان استقلال الجزایر زمام کشور را در دست داشت.

قبل از انتخابات، احساس عمومی بر آن بود که الجزایر با برگزاری اولین انتخابات آزاد و پلورالیستی، سرانجام پا به گذاشته "حیات دموکراسی" داشته است. اما صندوق های رای به ناحق "برنده بدی" را برگزیدند که در برنامه خود نظیر همگرا شدن در ایران و سودان... نقطه پایان بر دموکراسی را گنجانده بود. از طرف دیگر تصمیم بر قلم کشیدن بر روی نتایج آراء، قابل پیش بینی بود. زیرا مسئولین ارتش به کرات اختار کرده بودند که ارتش در مقام حافظ قانون اساسی هرگز اجازه نخواهد داد که یک حکومت اسلامی در الجزایر به روی کار بیاید.

اقتصاد تولید تک محصولی نفت و توزیع درآمد آن در جامعه قرار داد. اما آیا میتوان فشار خفقان آور قروض به کشورهای غربی (بخصوص فرانسه) را که

الجزایر را بیش از پیش جهت باز پرداخت تحت فشار قرار میدهند، فراموش نمود. اکنون کشورهای غربی میخواهند به کمک صندوق جهانی پول مدل "لیبرال" را که

از هم اکنون نتایج شوم آن با توجه به تجربه دیگر کشورهای جهان سوم قابل پیش بینی است، بجای مدل دولتی ورشکسته، مستقر نمایند.

از هم اکنون نتایج شوم آن با توجه به تجربه دیگر کشورهای جهان سوم قابل پیش بینی است، بجای مدل دولتی ورشکسته، مستقر نمایند.

از هم اکنون نتایج شوم آن با توجه به تجربه دیگر کشورهای جهان سوم قابل پیش بینی است، بجای مدل دولتی ورشکسته، مستقر نمایند.

از هم اکنون نتایج شوم آن با توجه به تجربه دیگر کشورهای جهان سوم قابل پیش بینی است، بجای مدل دولتی ورشکسته، مستقر نمایند.

از هم اکنون نتایج شوم آن با توجه به تجربه دیگر کشورهای جهان سوم قابل پیش بینی است، بجای مدل دولتی ورشکسته، مستقر نمایند.

از هم اکنون نتایج شوم آن با توجه به تجربه دیگر کشورهای جهان سوم قابل پیش بینی است، بجای مدل دولتی ورشکسته، مستقر نمایند.

این راه سوم را باید ابداع نمود.

سالها قبل از مشهور شدن جبهه به شکل امروزی آن، جنبش اسلامی منزوی بود. در سالهای ۶۰ خنجران قیام عده بسیار قلیلی از روشنفکران دانشگاه الجزایر جهت مطالعه آثار یک متفکر اسلامی الجزایری بنام مالک بنابی را گرد هم آورد. او میگفت: "وقتی تفکر و جامعه اسلامی به انحطاط کشیده شد این بدان معنی است که مرد مسلمان به انحطاط کشیده شده است." این هسته اولیه اسلامی که تا اندازه ای در همان راستای تفکر اخوان المسلمین که در سال ۱۹۲۸ در مصر توسط حسن البنا تشکیل شده بود حرکت میکرد، گسترش



چشم گیری داشت. البته دستگاه ارباب پلیسی برای جلوگیری از گسترش آن بیگار نبود، بگونه ای که سرانجام در سال ۱۹۶۶، القیام ممنوع اعلام شد. البته در آن زمان الجزایر در راه استقلال اقتصادی (ملی کردن معادن و بانکها در سال ۱۹۶۶) و توسعه گام بر میداشت و همین ستمگیری آن را به یکی از قطبهای مبارزه علیه امپریالیسم بدل مینمود. به رهبری بودین قدرت "قانونی انقلابی" میداد. وقتی که بودین در سال ۱۹۷۰ در کنفرانس کشورهای اسلامی در لاهور اعلام کرد که: "با شکم خالی به بهشت نمیرویم" توافق اکثریت الجزایریها را بخود داشت.

توانایی حرکت مدرن نمودن جامعه توسط بودین شکل گرفت (باقت قابل توجه صنایع مدرن، ساختمان صدها روستای کشاورزی، بازگشایی دانشگاهها به روی اقشار مردمی، رایگان نمودن درمان...) هر چند که این کارها همراه اراده گرایی و فرمانروایی، و مسخ آزادی بیان، سرکوب هر نیت خوب بود. با آنکه مردم در اساس با این پروژه تجد همراهی میکردند. زیرا تا حدی حامل ستمگیری به سوی تامين عدالت اجتماعی بود، اما نبود دموکراسی و خفه نمودن آزادیها، عناصر خطرناکی را در درون

توانایی حرکت مدرن نمودن جامعه توسط بودین شکل گرفت (باقت قابل توجه صنایع مدرن، ساختمان صدها روستای کشاورزی، بازگشایی دانشگاهها به روی اقشار مردمی، رایگان نمودن درمان...) هر چند که این کارها همراه اراده گرایی و فرمانروایی، و مسخ آزادی بیان، سرکوب هر نیت خوب بود. با آنکه مردم در اساس با این پروژه تجد همراهی میکردند. زیرا تا حدی حامل ستمگیری به سوی تامين عدالت اجتماعی بود، اما نبود دموکراسی و خفه نمودن آزادیها، عناصر خطرناکی را در درون

توانایی حرکت مدرن نمودن جامعه توسط بودین شکل گرفت (باقت قابل توجه صنایع مدرن، ساختمان صدها روستای کشاورزی، بازگشایی دانشگاهها به روی اقشار مردمی، رایگان نمودن درمان...) هر چند که این کارها همراه اراده گرایی و فرمانروایی، و مسخ آزادی بیان، سرکوب هر نیت خوب بود. با آنکه مردم در اساس با این پروژه تجد همراهی میکردند. زیرا تا حدی حامل ستمگیری به سوی تامين عدالت اجتماعی بود، اما نبود دموکراسی و خفه نمودن آزادیها، عناصر خطرناکی را در درون

توانایی حرکت مدرن نمودن جامعه توسط بودین شکل گرفت (باقت قابل توجه صنایع مدرن، ساختمان صدها روستای کشاورزی، بازگشایی دانشگاهها به روی اقشار مردمی، رایگان نمودن درمان...) هر چند که این کارها همراه اراده گرایی و فرمانروایی، و مسخ آزادی بیان، سرکوب هر نیت خوب بود. با آنکه مردم در اساس با این پروژه تجد همراهی میکردند. زیرا تا حدی حامل ستمگیری به سوی تامين عدالت اجتماعی بود، اما نبود دموکراسی و خفه نمودن آزادیها، عناصر خطرناکی را در درون

دیگری می کند، خودش در آن می افتد. حکومت وقت با قانون انتخابات تهیه شده در بهار گذشته، که طبق آن هر حزبی که ۳۵ درصد آراء را در صندوق های رای بدست می آورد حائز اکثریت میشود و هر مردی با داشتن وکالت میتواند بجای زنش رای بدهد، علیه خودش عمل نمود. حزب حاکم با ۱/۶ میلیون آراء یعنی باندازه نصف جبهه نجات اسلامی ۱۶ کرسی و جبهه نیروهای سوسیالیستی با ۵۰۰ هزار رای یعنی یک سوم آرا فزون، ۱۰ کرسی بیشتر از حزب حاکم کسب نمود! این نتایج، شکست محاسبات سیاست بازان را نشان داد.

بعد از اینکه حزب حاکم متوجه خطر جبهه نجات اسلامی نسبت به رژیم خود شد، تصمیم گرفت از طریق اعمال پلیسی، اداری، نفوذ در جبهه نجات اسلامی و فبیره قدرت نیروی اخیر را کاهش دهد. این گونه اعمال، منطبق جبهه نجات اسلامی را تقویت کرد. زیرا که منطق و مامیت رادیکال و خشن این نیرو همانا در مخالفت آن با کل نظام نهفته است. رژیم با کودتای خود

بعد از اینکه حزب حاکم متوجه خطر جبهه نجات اسلامی نسبت به رژیم خود شد، تصمیم گرفت از طریق اعمال پلیسی، اداری، نفوذ در جبهه نجات اسلامی و فبیره قدرت نیروی اخیر را کاهش دهد. این گونه اعمال، منطبق جبهه نجات اسلامی را تقویت کرد. زیرا که منطق و مامیت رادیکال و خشن این نیرو همانا در مخالفت آن با کل نظام نهفته است. رژیم با کودتای خود

احزاب "دموکراتیک" هم فعالیت خود را فقط در بین اقشار غرب گرا و فرانسوی زبان، بورژوازی کوچک و متوسط حفظ نمودند. بدون شک بین آنها و اکثریت جامعه اختلافات شدید فرهنگی وجود دارد. جبهه نیروهای سوسیالیستی به رهبری آیت احمد بخاط دلایل تاریخی، فرهنگی و نیز سیاسی تنها نیرویی است که علیه جبهه نجات اسلامی تظاهرات به راه انداخت. این نیرو تا اندازه ای دارای پایگاه مردمی است و تازه آن هم بعلت خصوصیت منطقه ایش بالقوه حامل خطر واقعی بر خورد و درگیری ها است.

یکی از بدبختیهای اساسی این نخبگان الجزایری باصطلاح "دموکراتیک" و "متجدد" رابطه گسترده آنها با غرب و بخصوص فرانسه است. آنها در

فقط لایه های متوسط و آن هم "اقشار مدرن" و غرب گرای آنرا ترسانده است.

بدین شکل رژیم نشان داد که از شورش ۱۹۸۸ هیچگونه درسی نگرفته و در برابر خواسته های مردم همچنان ناشنوا است. دلیل آن هم ممکن است این باشد که بعضی از دستگاهها یا جریانهای حاکم در این حوادث آلوده شده اند. به نظر میرسد که از آن تاریخ به بعد روند حوادث از دست آنان در رفته است. این حقیقی است که که جنبش اعتراضی مردمی به این وسعت را هرگز نمیتوان از طریق مانورهای سیاسی و نظامی محدود کرد. نتایج این انتخابات نیز بیان کننده انحراف کامل جریانات معروف به "متجدد"، "دموکراتیک" بود و مصیبت واقعی الجزایر را هم درست در همین باید دانست. در چنین شرایطی است که تنها نیروی سازمان یافته بین جبهه نجات اسلامی و قدرت حاکم یعنی ارتش، نقش ویژه پیدا میکند. همه احزاب سیاسی از ارائه برنامه ای مدرن و ملی برای جامعه بازماندند. مدرنیته کردن جامعه که با روی کار آمدن شاذلی و تدابیر "لیبرالیته" نمودن "اقتصاد آغاز و ادامه داشت، با همان ارزشهای نظام سرمایه داری که نابرابری اجتماعی را تشدید و در همین حال به یکباره بحران فکری و

چه مدت طول میکشد تا نیروهای جدیدی سر بر آورند و ضرورت تجدید جامعه در چشم انداز ملی را که ارزشهای مثبت آزادی، برابری و دموکراسی را آزاد سازد، مطرح کنند و بویژه بتوانند بر اعتماد به منابع عظیم جامعه الجزایر متکی باشند؟ آینده یک الجزایر با ثبات و رو به خوشبختی در گرو پاسخ به این پرسش است.

## دپدار بوش و یلتسین در کمپ دیوید

باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه پس از شرکت در اجلاس سران کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل در نیویورک، به دیدار جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در کمپ دیوید، رفت. موضوع اصلی مذاکرات آنها کاهش تسلیحات بود. در آستانه دیدار کمپ دیوید، بوش طی نطق خود در کنگره پیشنهادهایی برای کاهش تسلیحات استراتژیک مطرح کرد. یلتسین نیز متقابلاً گفت روسیه دست به یک سلسله اقدامات یکجانبه می‌زند و اعلام کرد موشکهای سابق شوروی دیگر به سمت شهرهای ایالات متحده نشانه‌گیری نخواهد شد. یکی از پیشنهادهای بوش در کنگره آمریکا، کاهش نوری بیش از نیمی از زرادخانه استراتژیک هر طرف به سطح حدود ۴۷۰۰ کلاهک و بمب استراتژیک برای ایالات متحده و حدود ۴۴۰۰ سیستم مشابه برای شوروی سابق بود. یلتسین پیشنهاد کرد که این تعداد باز هم کاهش یابد و به ۲۵۰۰ عدد برسد. در برابر تاکید یلتسین مبنی بر اینکه موشکهای روسیه دیگر آمریکا را نشانه نمی‌روند، ایالات متحده خاطر نشان نمود موشکهایش کماکان "اهداف نظامی" در روسیه، واز جمله مسکو را هدف گرفته‌اند. یلتسین در آمریکا کوشید موافقت مقامات این کشور با مشارکت روسیه در طرح "جنگ ستارگان" برای ایجاد یک سپر دفاعی ضد موشکی را به دست آورد. اما مقامات آمریکایی از این پیشنهاد استقبال چندانی نمی‌کنند. دان کوئیل معاون بوش روز نهم فوریه (۱۸ بهمن) در مونیخ گفت شرکت روسیه در "جنگ ستارگان" با "مسائلی" مواجه است. پیشنهادهای بوش با اینکه

در حالی که باریس یلتسین می‌کوشد در روابط با آمریکا، روسیه را جانشین شوروی سابق کند، در ایالات متحده برخی محافل سیاسی به انتقاد از دولت بوش به علت "بی‌توجهی به سایر جمهوری‌ها" پرداخته‌اند. از جمله، هنری کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا در بازگشت از سفری به روسیه و اوکراین طی مقاله‌ای نوشت که سیاست دولتهای غربی بیش از حد در پی ثبات و در نتیجه این خطر وجود دارد که در روسیه "گرایش‌های تمرکز گرایانه" تقویت شوند. کیسینجر در مقاله خود خواهان آن شده است که آمریکا در اختلافات میان روسیه و اوکراین، جانب اوکراین را بگیرد.

## پایان انزوای چین؟

لی پنگ نخست وزیر چین از جمله شرکت کنندگان در اجلاس سران کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل در نیویورک بود. وی در حاشیه اجلاس یک دیدار ۲۰ دقیقه‌ای با جرج بوش رئیس جمهور آمریکا داشت. پس از این دیدار، جیمز بیکر وزیر خارجه ایالات متحده گفت بوش مذاکرات را با پانشاری بر اینکه چین باید کارنامه خود در مورد حقوق بشر را بهبود بخشد، آغاز کرد. در پاسخ به بوش، لی پنگ هرگونه مداخله خارجی در امور داخلی چین را رد کرد. بوش این موضع چین را "غیر قابل قبول" خواند.

هلیبرفم فضای سرد حاکم بر این دیدار، ناظران ملاقات لی پنگ و بوش را تاییدی بر این امر دانستند که دوره انزوای چین در سیاست جهانی، روبه پایان است. لی پنگ قبل از نیویورک به ایتالیا، سوئیس، پرتغال و اسپانیا رفته بود. با اینکه در شهرهایی که میزبان لی پنگ بودند، تظاهرات علیه وی به عنوان مسئول حوادث میدان "صلح آسمانی" در سال

یکی از روزنامه‌های آمریکایی بنام "نیویورک نیوزدی" چندی پیش گزارشی پیرامون زنده بگور شدن ۶۰۰۰ سرباز عراقی منتشر کرده بود که بدلیل همق فاجعه تشریح شده در آن خلاصه‌ای از آنرا می‌خوانیم.

در این گزارش آمده است که "یک لشکر از نیروهای نظامی آمریکا توانسته بود به خط دفاعی نیروهای عراقی رخنه کند. آنها با اراجه‌های جنگی و بولدوزرهایی که مجهز به تیغه‌های بزرگ گاو آهن بودند بمب افکن‌های دو میلیار دلاری ب-۲ را به ۲۰ فروند "محدود" خواهد کرد. این در حالی است که کنگره آمریکا تا به حال با تولید بیش از ۲۰ فروند هواپیمای ب-۲ که بیش از طلا به وزن خود قیمت دارد، موافقت نکرده است. پیشنهاد بوش برای کاهش تسلیحات، قبل از هر چیز شامل محو موشکهای استراتژیک زمین به زمین است که بخش عمده زرادخانه استراتژیک روسیه را تشکیل می‌دهد. این بدان معنی است که با چشم پوشی آمریکا از موشکهای ام-ایکس خود و محو سیستم‌های مشابه روسیه، برتری آمریکا در هر صده سلاحهای مستقر در هوا و دریا وزن بیشتری خواهد یافت.

پایاده نظام موسوم به "ترمز بزرگ" این روش جدید را برای نابود کردن سنگرها و خندق‌ها مورد استفاده قرار دادند. طبق ارزیابی امریکائیان از ۸ هزار سرباز عراقی تنها ۲۰۰۰ نفر خودشان را تسلیم کردند. سربازان عراقی که کشته یا زخمی شده بودند به همراه کسانی که هنوز شلیک می‌کردند زیر شکنجه دفن شدند.

کاپیتان بنی ویلیامس که بخاطر ایفای نقش اصلی در این عملیات متخربه کسب مدال نقره شده بود، گفت: "هنگامیکه ما این مسیر را پیمودیم دیگر کسی در برابر ما باقی نماند." و سرهنگ آنتونی مورنو فرمانده تیپ دوم گفت: "تا آنجایی که میدانیم، توانستیم هزاران عراقی را بکشیم." و سرهنگ ماژرت فرمانده تیپ اول گفت: نیروهای من نیز خیلی کشته‌اند و خود من به تنهایی تقریباً ۶۵۰ عراقی را کشته‌ام."

اما این موارد در گزارش عملیات "طوفان صحرا" وزیر دفاع آمریکا آقای چنی مسکوت مانده است. او در خصوص تاکتیک حمله اولین لشکر، از این موارد

ذکری نکرده و تنها اعلام داشته است که ۴۵۷ عراقی کشته شده را در ۵۶ نقطه گوناگون در هنگام عملیات زمینی دفن کرده‌اند. بطور کلی دو اراجه بنام آبرام بود که مجهز به تیغه‌های بسیار بزرگ گاو آهن بسان دندانهای فولیهای افشانهای بودند. اراجه‌های جنگی برادلی و ماشین‌های زره پوش مجهز به اسلحه‌های ولکان که در پهنای خندق هامستقر شده بودند در حالی به سمت سربازان عراقی شلیک می‌کردند که اراجه‌های آبرام مشغول دفن کردن زیرش‌ها بودند.

سرهنگ آنتونی مورنو اضافه کرده بود که: "من در آن مسیر تا حدودی راه را پیاده به همراه بعضی از اراجه‌های جنگی طی کردیم. آنچه که ما دیدیم خندق‌های پر شده توسط شن بود و در نقاط مختلف این مسیر وسایل نظامی و دست و پای سربازان عراقی که هنوز بطور کامل

## گزارش تکان دهنده از عملیات صحرا

"بیش از ۶۰۰۰ سرباز عراقی را زنده بگور کردند"

مدفون نشده بودند به چشم می‌خورند. سربازان آمریکایی در حمله از زره پوش‌های جنگی مدرن استفاده می‌کردند که وسایل و تجهیزات سبک عراقی در مقابل آنها نمی‌توانستند کاربردی داشته باشند. وقتی که بعضی از سربازان عراقی دیدند که ما چه کارهایی را با چه سرعتی پیش می‌بریم از سنگرهایشان خارج شدند و خودشان را تسلیم کردند."

سرهنگ آنتونی مورنو و سرهنگ ماژرت معتقد هستند که: "ما به این دلیل این تاکتیک را برگزیدیم که خسارات انسانی امریکائیان تا حد بسیار زیادی کاهش پیدا کند." ستوان یکم استن هاکینز مهندس اولین لشکر دستور داده بود که یک خط دفاعی به پهنای ۱۰ کیلومتر در مرز عراق و عربستان درست بکنند تا بدین وسیله نیروهای آمریکایی بتوانند تاکتیک زنده بگور کردن انسانها را تمرین کنند.

وزیر دفاع آمریکا در پیرامون این تاکتیک جدید به کمیسیون دفاع کنگره آمریکا و کمیسیون سناتورهای هیچ شرح و توضیحی نداده است. رئیس سنای آقای سام

نون اعلام کرد که "او در جریان این تکنیک که سربازان دشمن را زنده زنده دفن کنند قرار نگرفته است. در حالیکه شوارستکف اعلام کرد که "نیروهای نظامی امریکائی در خط‌دفاعی عراقی‌ها کشته‌های بسیار بسیار زیادی از عراقیها را یافتند"، کاپیتان ویلیامس اظهار داشت که "امریکائی‌ها می‌دانستند در سنگرها سربازان عراقی مستقر هستند و حتی گامی وقتها امکان خارج شدن از سنگر را به آنها می‌دادند... من اطمینان دارم که تعداد زیادی عراقی در سنگرها دفن شدند. ما از روی آنها رد می‌شدیم و در کنار سنگرهایشان آنقدر به دیوارها می‌کوبیدیم تا سنگرها روی عراقی‌های پناه گرفته درون سنگرها خراب شوند."

کاپیتان ویلیامس دارنده مدال افزوده بود: "از روز اول نیروهای عراقی را دیده که تجهیزات لازم برای جنگیدن در

اختیار ندارند. آنها لباس‌های شخصی در زیر لباس‌های نظامیشان پوشیده بودند. در دومین روز جنگ ما بایک نیروی مجهز از عراق مواجه شدیم ولی آنها قدرت مقاومت نداشتند. در اغلب مواقع اراجه‌های مجهز به تیغه‌های بزرگ گاو آهن، خندق‌ها را تا نصف پراز شن می‌کردند سپس بولدوزها کار پر کردن خندق‌ها را ادامه میدادند. در آورنده بولدوز که بدون اسلحه اینکار را می‌کردند دو مدال دریافت داشتند. یک سرباز ستاره نقره دریافت کرد زیرا که حرکت او تهرمانانه! بود. او توانسته بود یکی از سنگرهای عراقی را که با اسلحه اتوماتیک شلیک می‌کرد دفن کند. سرباز ژوکین سرباز اولین لشکر نیز ستاره برنز دریافت کرد زیرا که موفق شده بود یک کوه‌شن را بولدوز زرش بر سر یکی از سنگرها که هنوز مقاومت می‌کرد بریزد و سنگر را بدین طریق بیوشاند. من دریافت کردم که یک کار خیلی خوب و خارق العاده انجام داده‌ام."

ترجمه و تنظیم از: پژمان

## سر نوشت مبهم

## ارتش شوروی

روز جمعه ۱۴ فوریه یازدهم جمهوری تشکیل دهنده جامعه دولتهای مستقل به گرد همائی خود در مینسک پایتخت بلاروسی پایان دادند. این اجلاس که از جمله، باهدف تصمیم گیری در مورد آینده ارتش سرخ تشکیل شده بود، بدون حصول توافق و نیل به یک تصمیم مشخص به پایان رسید. از بحث‌های عمده این اجلاس، بحث حول ضرورت یا عدم ضرورت وجود نیروهای نظامی مشترک جامعه دولتهای مستقل بود. چهار جمهوری آذربایجان، اوکراین، بلاروسی و مولداوی معتقد به ضرورت تشکیل نیروهای نظامی مستقل و عدم ضرورت وجود ارتش مشترک بودند.

اقدام به تشکیل نیروهای نظامی مستقل در سر جمهوری موجب بروز دشواری‌هایی در برخی از جمهوری‌ها خواهد شد. از جمله این دشواری‌ها عدم تناسب تقسیم تسلیحات و نیروهای متخصص در برخی جمهوری‌ها و در نتیجه کمبود آنها در پاره‌ای از جمهوری‌ها است.

به تعویق انداختن اتخاذ یک تصمیم مشخص در مورد سر نوشت ارتش سرخ و تشکیل یا عدم تشکیل ارتش واحد سبب گسترش موج نارضایتی و نگرانی در صفوف ارتش سرخ می‌باشد. در بسیاری از پادگان‌ها جلساتی با هدف بحث و بررسی وضع موجود تشکیل می‌گردد. نظامیان نگران سر نوشت خویشند. این نگرانی بنوبه خود اوضاع نامطلوبی را سبب می‌گردد. از یک طرف افزایش عدم امنیت ملی در میان نظامیان که یک نمونه آن بازگشت نظامیان روس مقیم اوکراین به روسیه است و از طرف دیگر افزایش خطر کودتای نظامی در جامعه دولتهای مستقل.

پاره‌ای از مفسرین، شکست گرد همائی اخیر مینسک را حتی تا حد فراهم آمدن زمینه برای فروپاشی جامعه دولتهای مستقل ارزیابی می‌کنند.

## معضل "اریش هونکر"

خبرگزاریها نتایج مہاینات و آزمایشاتی که توسط پزشکان روس صورت گرفته موبد بیماری هونکر می‌باشد، در اختیار دولت آلمان قرار گرفته است. اخبار رسیده همچنین حاکی از آن است که بیماری وی در مراحل پیشرفته خود می‌باشد.

جمهوری فدرال آلمان خواهان استرداد ارایش هونکر به خاک آلمان است تا در مقابل دادگاه‌های این کشور پاسخگوی گذشته سیاسی خود بعنوان رهبر دولت و حزب حاکم کشور سابق جمهوری دمکراتیک آلمان باشد.

روز چهارشنبه ۱۲ فوریه رسانه‌های خبری اعلام کردند که جمهوری شیلی خواستار تصمیم‌گیری درباره سر نوشت هونکر توسط سازمان ملل شده است. خواسته دولت شیلی تلاشی برای یافتن راه‌حلی در جهت برطرف نمودن وضعیت مبهمی است که این دولت از مدتی پیش به اینسو، گرفتار آن بوده است.

رهبر حزب منحلہ متحده سوسیالیستی آلمان که از ماه‌ها پیش به همراه همسر خود در سفارت شیلی در مسکو پناه گرفته است، مبتلا به بیماری سرطان کبد می‌باشد. بنا به گزارش

## محکمه قضایی یا انتقام سیاسی؟

که در مقابل قتل هونکر نیست توسط فاشیست‌ها دو مامور پلیس ترور خواهد شد. در سال ۱۹۳۴ در زمان حکومت حزب ناسیونال-سوسیالیست (نازی) در آلمان به افتخار این دو مامور پلیس، مجسمه یادبودی در برلین برپا شد. این مجسمه بعدها در زمان میلکه که در دادگاه حضوری ساکت داشت توسط بیش از صد مامور پلیس حفاظت می‌شد و بارها بدلیل وضع وخیم مزاجی سالن دادگاه را ترک گفت. وکیل وی سپری شدن سالهای بسیار از ارتکاب این ترور را دلیل منتهی شدن موضوع محاکمه می‌داند. حکومت جمهوری دمکراتیک آلمان بر داشته شد. محاکمه میلکه بر اساس اسناد موجود در گشتاپو صورت می‌گیرد.

محاکمه میلکه وزیر امنیت دولتی جمهوری دمکراتیک آلمان سابق در آلمان فدرال، از موضوعات جنجال برانگیز این روزهاست. اوایل فوریه او در جایگاه متهمین نشست. ظاهراً حضور میلکه در دادگاه نه به اتهام سمت سابق وی در وزارت امنیت دولتی جمهوری دمکراتیک آلمان (اشتازی) و اعمالی که وی در این سمت مرتکب شده است، بلکه به اتهام شرکت در ترور دو مامور پلیس در ۶۱ سال پیش بود.

این دو مامور پلیس در سال ۱۹۳۱ از جانب حزب اسپارتاکیست در برلین ترور شدند. این ترور سیاسی در مقابل قتل یک کمونیست روی داد که چند روز پیش از آن در همان شهر صورت گرفته بود. این اقدام عمل به تهدید این حزب بود مبنی بر این

# حکومت نظامی در الجزایر

## تظاهرات دهها هزار نفری

### علیه یلتسین

روسیه تظاهراتی برپا شد. برخی نمایندگان کارگران تهدید کرده اند در صورت ادامه و خامت اوضاع اقتصادی، دعوت به اعتصاب خواهند کرد.

الکساندر روتسکوی معاون یلتسین در اجلاس گروه محافظه کار «کنگره نیروهای میهنی» دولت را متهم کرد که «سیاست خودکشی» در پیش گرفته است. وی خواهان اعلام «وضعیت فوق العاده اقتصادی» به منظور جلوگیری از «یک انقلاب جدید بلشویکی» شد.

آنتولی سابچاک شهردار سنت پترز بورگ نیز از سیاست اقتصادی یلتسین انتقاد کرد. وی اعلام کرد معمولاً نتیجه «درمان با شوک» مرگ بیمار است. کنایه او به اصطلاحی است که یلتسین و دستیارانش برای آزاد کردن ناگهانی قیمت ها بکار بردند. سابچاک خواستار اجرای فوری اصلاحات ارضی شد تا کشاورزان بتوانند در همین بهار آینده کشت رادار ارضی خود آغاز کنند.

در مقابل انتقادات، یگور گایدار مشاور اقتصادی یلتسین طی مصاحبه ای با روزنامه دست راستی نیگارو چاپ فرانسه ادعا کرد که طبق ارزیابی دولت روسیه، مردم این کشور «حدود دو سال دیگر نور را در آخر تونل خواهند دید».

یگور گایدار به ویژه مورد انتقاد روتسکوی قرار گرفته است. روتسکوی در مقاله مصلی که اخیراً در پرودا به چاپ رسید، وی و چند تن دیگر از مشاوران یلتسین را مورد حمله قرار داد. روتسکوی در نطق خود در «کنگره نیروهای میهنی» از فروپاشی اتحاد شوروی اظهار تاسف کرد و گفت رهبری فعلی روسیه، مردم را به ارتش میلیونی فقر تبدیل کرده است.

روز یکشنبه نهم فوریه (۲۰ بهمن) مسکو شاهد تظاهرات دهها هزار تن علیه باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه بود. همزمان با این تظاهرات که به دعوت کمیونست ها و نیروهای متحدشان برگزار شد، شمار کمتری به حمایت از یلتسین به خیابان ها آمدند و تظاهرات جداگانه ای برگزار کردند. تظاهرات نهم فوریه مسکو، بزرگترین گرد همایی در این شهر پس از شکست کودتای ماه اوت گذشته بود.

تظاهرات مسکو در حالی برگزار شد که اوضاع اقتصادی روسیه کمکان و خیم تر می شود. مخالفان یلتسین بویژه علیه سیاست دولت وی در آزاد کردن قیمت ها که علیرغم وعده های رئیس جمهور روسیه به فراوانی نیاچامیده است، اعتراض کردند. در مقابل، طرفداران یلتسین مخالفان را متهم کردند که می خواهند دیکتاتوری را در کشور احیا کنند. شعار همده مخالفان یلتسین عبارت بود از «نه به بازار و قاتلان اقتصاد!» در صف آنها کسانی دیده می شدند که عکس های استالین را حمل میکردند. برخی خواهان آزادی رهبران دستگیر شده کودتای اوت بودند سخنرانان تظاهرات به طرفداری از یلتسین در برابر ساختمان مقر دولت روسیه، آنچه را که «دارودسته سرخ» می نامیدند مورد حمله قرار دادند. برای پیش گیری از حوادث احتمالی حدود ده هزار نفر نیروهای امنیتی اضافی در مسکو مستقر شده بودند. گزارشی از درگیری های احتمالی مخابره نشد.

در شهرهای نوو سبیرسک و آنگارسک سبیری نیز علیه دولت این جبهه بنظر می رسد حوادث الجزایر به سمت رویارویی خشونت آمیز حرکت می کند. مسئولیت این تحول منفی به همده زمامداران و آن نیروهای است که بجای در پیش گرفتن سیاست مصالحه و مذاکره، راه مقابله و خشونت را برگزیده اند. مشی حکومت نظامی و سرکوب نمی تواند بنیادگرایی را در الجزایر محو کند.

و اکثر اعضای رهبری جبهه نجات اسلامی در زندان به سر می برند. حوادث اخیر الجزایر نشان می دهد که برای هواداران جبهه نجات اسلامی زمان سکوت و انتظار به سر رسیده است.

با وجود عقب نشینی جبهه نجات اسلامی و لغو راهپیمایی روز جمعه ۲۵ بهمن ماه از سوی

نظامی رهبران هشت حزب را دعوت به گفتگو کرد. رهبران جبهه نجات اسلامی و نیز جبهه نیروهای سوسیالیست به ملاقات بوضیاف نرفتند و در نتیجه، این دیدار تنها با حضور نمایندگان احزابی تشکیل شده که در انتخابات اخیر آرای بسیار کمی بدست آوردند. به گزارش یکی از رهبران حزبی ملاقات کننده با بوضیاف، رئیس کمیته عالی الجزایر به احزاب حاضر در جلسه اطمینان داد که علیرغم تدابیر فوق العاده، «فعالیت های احزاب و روند دمکراتیزاسیون ادامه خواهد یافت».

در دو روز پیش از اعلام حکومت نظامی، طی درگیری های خیابانی در حدود ۲۰ شهر الجزایر که میان طرفداران جبهه نجات و پلیس رخ داد، بیش از ۴۰ نفر کشته و حدود ۳۰۰ تن مجروح شدند. بدنبال این حوادث، شورای امنیت الجزایر که طبق قانون اساسی در مواقع اضطراری تشکیل جلسه می دهد، طی یک اطلاعیه کوتاه، اوضاع را «نگران کننده» توصیف کرد.

محمد بوضیاف رهبر جدید الجزایر پیش از اعلام حکومت نظامی در دو روز پیش از اعلام حکومت نظامی، طی درگیری های خیابانی در حدود ۲۰ شهر الجزایر که میان طرفداران جبهه نجات و پلیس رخ داد، بیش از ۴۰ نفر کشته و حدود ۳۰۰ تن مجروح شدند. بدنبال این حوادث، شورای امنیت الجزایر که طبق قانون اساسی در مواقع اضطراری تشکیل جلسه می دهد، طی یک اطلاعیه کوتاه، اوضاع را «نگران کننده» توصیف کرد.

محمد بوضیاف رهبر جدید الجزایر پیش از اعلام حکومت نظامی در دو روز پیش از اعلام حکومت نظامی، طی درگیری های خیابانی در حدود ۲۰ شهر الجزایر که میان طرفداران جبهه نجات و پلیس رخ داد، بیش از ۴۰ نفر کشته و حدود ۳۰۰ تن مجروح شدند. بدنبال این حوادث، شورای امنیت الجزایر که طبق قانون اساسی در مواقع اضطراری تشکیل جلسه می دهد، طی یک اطلاعیه کوتاه، اوضاع را «نگران کننده» توصیف کرد.



خواهند برد، روز جمعه هفت فوریه (۱۸ بهمن) امه جمعه طرفدار جبهه نجات از مسلمانان دعوت کردند که در خیابان ها دست به تظاهرات بزنند. این دعوت در حقیقت پاسخی به سرکوب خزنده جبهه نجات اسلامی بود که به صورت دستگیری پیاپی رهبران و سخنگویان جبهه به اجرا گذاشته شد. هم اکنون مهمترین رهبران

خواهند برد، روز جمعه هفت فوریه (۱۸ بهمن) امه جمعه طرفدار جبهه نجات از مسلمانان دعوت کردند که در خیابان ها دست به تظاهرات بزنند. این دعوت در حقیقت پاسخی به سرکوب خزنده جبهه نجات اسلامی بود که به صورت دستگیری پیاپی رهبران و سخنگویان جبهه به اجرا گذاشته شد. هم اکنون مهمترین رهبران

شامگاه یکشنبه نهم فوریه (بیست بهمن) کمیته عالی دولتی الجزایر که بدنبال استعفای شاذلی بن جدید رئیس جمهور پیشین، قدرت را در این کشور بدست گرفته است، در سراسر الجزایر به مدت ۱۲ ماه حکومت نظامی اعلام کرد. به موجب مقررات حکومت نظامی، برگزاری تظاهرات و گرد هم آیدها و دست زدن به اعتصاب ممنوع است. نیروهای امنیتی اجازه ندارند بدون داشتن حکم بازداشت، افراد را دستگیر و زندانی کنند. همزمان با اعلام حکومت نظامی، نیروهای دولتی دفتر مرکزی جبهه نجات اسلامی را اشغال و چند تن دیگر از رهبران جبهه را بازداشت کردند. انتظار می رود این جبهه از سوی دولت الجزایر ممنوع اعلام شود.

در دو روز پیش از اعلام حکومت نظامی، طی درگیری های خیابانی در حدود ۲۰ شهر الجزایر که میان طرفداران جبهه نجات و پلیس رخ داد، بیش از ۴۰ نفر کشته و حدود ۳۰۰ تن مجروح شدند. بدنبال این حوادث، شورای امنیت الجزایر که طبق قانون اساسی در مواقع اضطراری تشکیل جلسه می دهد، طی یک اطلاعیه کوتاه، اوضاع را «نگران کننده» توصیف کرد.

محمد بوضیاف رهبر جدید الجزایر پیش از اعلام حکومت

### ترکیه :

### مرگ صد ها نفر بر اثر بهمن

بر اثر سقوط بهمن در چهار استان جنوب شرقی ترکیه در روز اول نوریه، حداقل ۱۷۰ نفر کشته شدند. این آمار در حالی اعلام شد که تیم های امداد هنوز نتوانسته بودند به بسیاری از روستاهای محاصره شده توسط برف سنگین و بهمن راه یابند. در نتیجه قابل پیش بینی است که شمار قربانیان فاجعه زمستانی اخیر در شرق ترکیه بسیار بیشتر باشد.

سنگین ترین تلفات متوجه روستای گورمچ در استان سرتاک شد. در این روستا ۷۱ تن از کسانی که به یاری اهالی شتافته بودند بر اثر سقوط بهمن به قتل رسیدند.

این همده مشغول جستجو برای یافتن بازماندگان سقوط بهمن بودند که خود زیر بهمن قرار گرفتند. همچنین در مناطق دیگر، ۱۵ سرباز و پنج غیر نظامی بر اثر سقوط بهمن کشته شدند. خبرگزاری آنتاتولی گزارش داد یک پاسگاه مرزی ترکیه و سوریه در اثر ریزش بهمن مدفون شد. این حادثه ۱۵ قربانی داشت و گزارشها حاکی است که ۲۰ سرباز دیگر نیز که در ویرانه های ساختمان محبوس شدند، به احتمال زیاد کشته شده اند.

عملیات امداد رسانی به قربانیان فاجعه اخیر ترکیه بر اثر گولاکی که منطقه را در بر گرفت، بسیار دشوار بود. پرواز هواپیماها میان وان و دیاربکر، دوشهر اصلی شرق ترکیه، و آنکارا و استانبول، بر اثر شدت توفان و بارش برف قطع شد.

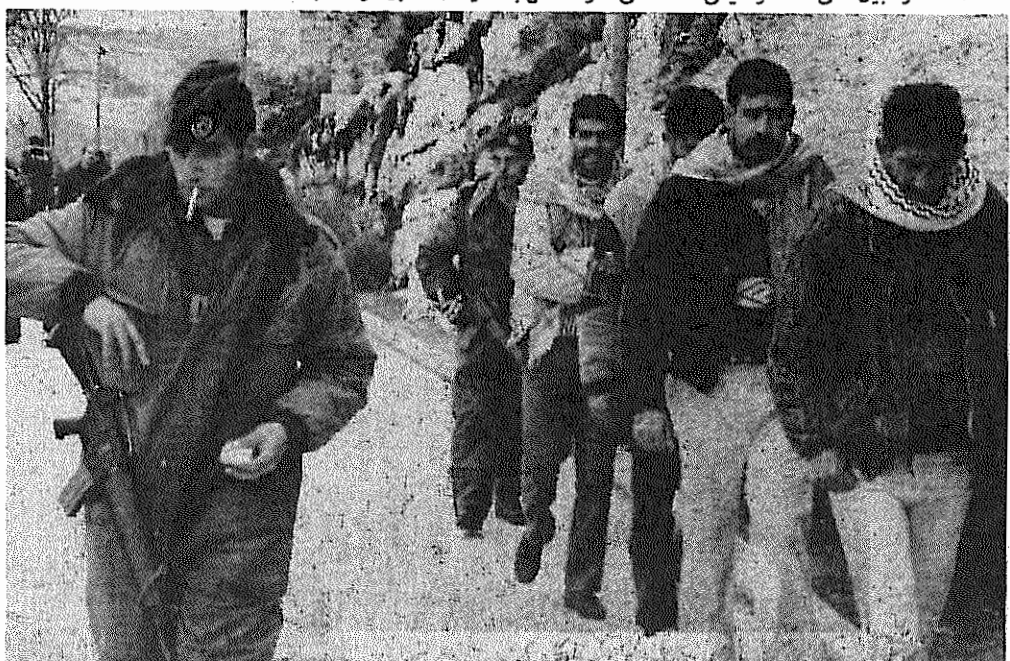
بیشترین صدمات متوجه روستاهای مرتفع مرزی ترکیه با ایران و عراق شد. بسیاری از این روستاها تا چند روز پس از وقوع فاجعه کمکان ارتباطی با جهان خارج نداشتند.

### اسرائیل : افزایش اختیارات نظامیان برای شلیک به فلسطینی ها

این، نظامیان موظف بودند به فرد مظنون فرمان ایست بدهند. در صورت عدم اطاعت از این فرمان، سربازان می بایستی تیر هوائی شلیک میکردند. اگر این اقدام هم بی نتیجه می ماند، پای افراد هدف شلیک قرار می گرفت. از آغاز انتفاضه در دسامبر ۱۹۸۷، حدود ۸۵۰ فلسطینی توسط ارتش و ساکنان شهرک های یهودی نشین به قتل رسیده اند. تا قبل از صدور فرمان اخیر نیز بسیاری از محتولین تنها به این هلت کشته شده اند که گویا سنگ پرتاب می کرده اند.

شلیک کردند. این حوادث به دستاویزی برای ساکنان شهرک های یهودی نشین تبدیل شد که به دولت برای تشدید مقررات سرکوبگرانه فشار آوردند. در متن اعلامیه ارتش اسرائیل آمده است: «مقررات مربوط به گشودن آتش، تصریح و گسترش یافت تا سربازان اسرائیلی بتوانند در موارد به خطر افتادن جانشان مناسب تر واکنش نشان دهند.» منابع اسرائیلی می گویند اکنون سربازان می توانند بروی هر فلسطینی حامل سلاح گرم و یا حتی سرد آتش بکشایند. تا قبل از

ارتش اسرائیل اختیارات نظامیان برای شلیک به فلسطینی های ساکن مناطق اشغالی را افزایش داد. به موجب این تصمیم فرماندهی ارتش به نیروهای خود دستور داده است به سمت هر فرد هرب که اسلحه حمل کند آتش بکشایند. دستور مزبور بخشی از یک طرح کلی برای سخت گیری بیشتر علیه ساکنان کرانه غربی رود اردن و نوار غزه است. بهانه اسرائیلی ها برای این اقدام، چند حادثه اخیر بود که طی آن، فلسطینی ها به سمت اتومبیل های اسرائیلی



یکشنبه دوم فوریه، بیت المقدس شرقی: دو سرباز اسرائیلی چهار فلسطینی را دستگیر کرده اند

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و هم به ما معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یار سید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
بهای اشتراک نشریه "کار" (شش ماهه) ۴۵ مارک ۵۴ مارک	
یک ساله ۹۰ مارک ۱۰۴ مارک	

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

<p><b>KAR</b> No 29 19 FEB 1992</p>	<p>ارگان مرکزی سازمان ندانیان خلق ایران (اکثریت)</p>
<p>مساب بانکی: M.ABD NR-35263011 کدبانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p>	<p>آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p>